



اطلاعاتی درباره نفوذ امپریالیسم در ایران

رسوخ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم اشکال گوناگون دارد. اثرات قبل از جنگ جهانی دوم انحصارهای خصوصی امپریالیستی صادر کنندگان عمده ی سرمایه بودند، بعد از جنگ، پیوسته در مرحله ی سوم بحران عمومی سرمایه داری، انحصارها نقش عمده را به عهده ی دولت امپریالیستی گذاردند.

در حال حاضر در اجرای وظایف ستراتژیک امپریالیسم در کشورهای رشد یابنده، شیوه ی دولتی انحصاری صد و سرمایه بشکل "گمک" مقامی مهم را اشغال میکند.

سرمایه ی انحصاری خصوصی یا واگذاری مقام نخست به "گمک" از اجرای دولتی، در واقع زمینه را برای رسوخ بعدی آماده میسازد. گمک صرف سرمایه گذاری در رشته های کم سود انفراسترکچر میگردد که اهمیت بزرگ برای سرمایه ی خصوصی امپریالیستی دارند. سپس سرمایه ی خصوصی انحصاری به رشته های سود آور اقتصاد سران برمیگردد. بدینسان نوعی تقسیم کار بین دو شکل صد و سرمایه بوجود میآید.

سرمایه ی دولتی انحصاری بشکل "گمک" شرایط کلی وابستگی کشور به امپریالیسم را ایجاد میکند و محیط مناسب برای صد و سرمایه ی خصوصی امپریالیستی از طریق تحکیم مناسبات سرمایه داری بوجود می آورد. سرمایه ی خصوصی امپریالیستی بنوعی خود تحکیم هرچه بیشتر این وابستگی را از راه استقرار نظارت به رشته های حساس اقتصادی و جلوگیری از ترقی همه جانبه ی اقتصاد ی کشور رشد یابنده، به عهده میگیرد. هر دو نوع صد و سرمایه حربه ایست در دست امپریالیسم برای صد ورنظام سرمایه داری کشورهای رشد یابنده و ایران یکی از این

کشورهاست.

نقوذ امپریالیسم در ایران از طرق مختلف "وام" و "کفک"؛ " سرمایه گذاری در صنایع نفت و صنایع تبدیلی و بانکداری و غیره" گسترش می یابد.

"وام" و "کفک" امپریالیستی

از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۸ دولت مبلغ ۱۹۹۰٫۹ میلیون دلار وامهای کوتاه و بلند مدت از خارج دریافت داشته است. طی همین مدت مبلغ ۲۵۸ میلیون دلار هم به شکل "کفک بلاعوض" وارد خزانه ی دولت گردیده است.
مبلغ وام دریافتی سال بسال روبه افزایش است. مثلا اگر از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۲، یعنی طی ۱۲ سال جمعا ۸۹۰ میلیون دلار وام از خارج دریافت شده بود، از سال ۱۳۴۲ تا اول سال ۱۳۴۸، یعنی طی شش سال مبلغ وام دریافتی به ۸۰۰ میلیون دلار بالغ گردیده است.

رقم استفاده از وامهای خارجی در شش سال (۱۳۴۱ - ۱۳۴۶) بقرار ذیل بود:

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۸
مبلغ	۱۰۸	۲۰۸	۰٫۸	۲۰۳	۴۰۷	۱۰۰۱

سهام وامهای خارجی در رقم درآمد کل بودجه، بموجب پیش بینی، در دو سال اخیر بشرح ذیل است (ارقام به میلیون ریال):

سال ۱۳۴۸	سال ۱۳۴۷	
۲۵۳۰۰	۳۳۱۲۰	مبلغ وام خارجی
۱۲۰۰	۴۸۰۰	بازپرداخت اصل و بهره ی وامهای سابق

شرایط وامهای امپریالیستی سنگین است. وام باینباره ۵ - ۷ درصد سالیانه پرداخت میشود. کشور وام دهنده باید طرحهایی را که وام صرف آن خواهد شد قبلا مطالعه و تصویب کند. ایران بعنوان طرف گیرنده ی وام متعهد میگردد که کلیه و یا بخش اعظم وام را صرف خرید از کشور وام دهنده کند؛ کالاهای خریداری شده را در بانک بینه متعلق به آن کشور بینه نماید، از کمپانیهای کشتیرانی آن کشور برای حمل کالاهای خریداری شده استفاده کند و یا بالاخره اجرای طرح را کلا و یا قسما بعهده ی کمپانیهای مقاطعه کار کشور وام دهنده واگذارد.
بدینسان نه تنها چگونگی انتخاب طرحهای عمرانی و صنعتی کشور، بلکه طرز اجرا و میزان سرمایه ی مصرفه هم عملا در اختیار کشورهای سرمایه داری وام دهنده قرار میگیرد.

گرانمای نرخ بهره موجب میگردد که پس از يك مدت کوتاه ، همه ی مبلغی که از یک دست بعنوان وام از کشورهای امپریالیستی گرفته شده ، از دست دیگر بعنوان اصل و بهره ی وامهای قبلی بکشوریام دهنده مسترد شود و خالص استفاده از وامها بمرور زمان برقم ناچیزی تنزل نماید . مثلا از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۲ دولت ایران در حدود ۴۷۵ میلیون دلار وام از خارج دریافت نموده است . در همان مدت دولت از بابت سررسید اقساط و بهره ی وامها مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار به دولت امپریالیستی پرداخته است . لذا در این دوره فقط ۲۱ میلیون دلار و یاسالیانه ۳۵۰ میلیون دلار صرف سرمایه گذاری گردیده است . از وامی که به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار طی ۶ سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷) دریافت شده ، مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار از بابت اصل و (۱۲۲ میلیون دلار از بابت بهره ی وامهای گذشته ، طی همان مدت پرداخت شده است . و باز در همان مدت تشهات و موسسه ی دولتی (سازمان برنامه و شرکت ملی نفت) از بابت " خدمات " در حدود ۲۶۹٫۷ میلیون دلار صرف کرده اند . بدینسان در مدت ۶ سال اخیر از مجموع وام دریافتی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار ، مبلغ ۸۴۳٫۹ میلیون دلار به شکل اصل و بهره ی وامهای سابق و " خدمات " از کشور خارج شده است .

" کمک فنی و اداری " یکی دیگر از اهرمهای رسوخ امپریالیسم است در اقتصاد کشور . از سال ۱۹۵۲ تا پایان سال ۱۹۶۵ دولت ایالات متحده ی آمریکا - ۸۷ میلیون و ۹۱۰ هزار دلار بعنوان " کمک فنی و اداری " بدولت ایران داده است . این نوع از " کمک " به امپریالیستها امکان آنرا میدهد که بدون سرمایه گذاری در موسسات صنعتی سود کلانی بدست آرند . مثلا از سال ۱۳۴۰ تا پایان ۱۳۴۵ مبلغ ۵۷۳ میلیون دلار از کشور برای " خدمات " خارج شده است .

خاطر نشان میسازد که طی همان مدت وام بلند مدت دریافتی ایران از خارج ۸۰۰ میلیون دلار ، بدیگر سخن ، ۱۴۴٫۳ میلیون دلار کمتر از مبلغ صدور ارز بشکل " خدمات " بوده است .

از سال ۱۳۳۳ ، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اول سال ۱۳۴۸ فقط وامهای بلند مدت خارجی که رژیم دریافت داشته ، بالغ بر ۱۶۹۴٫۱ میلیون دلار است . از این مبلغ ۷۶۴٫۲ میلیون دلار اصل و ۲۰۶۲٫۱ میلیون دلار بهره ی وامهای دولتی امپریالیستی باز پرداخت شده و هنوز هم ۷۲۴٫۲ میلیون دلار از بابت اصل وام باقی مانده است . بدینطریق قوانین اقتصادی جهان سرمایه داری بطرز خودکار و بیرحمانه علیه ایران در فعالیت است و امکان آنرا میدهد که کشور از وابستگی اقتصادی و بالنتیجه سیاسی امپریالیسم شانه خالی کند .

امپریالیسم و بازرگانی خارجی ایران

بازرگانی خارجی یکی دیگر از اهرمهای تحکیم سیادت امپریالیسم است در ایران . در گذشته اساس بازرگانی خارجی ایران بر مبنای قانون انحصار تجارت خارجی تیرماه ۱۳۱۱ . استوار بود . بموجب این قانون بازرگانی خارجی در انحصار دولت بود و نمیتوانست این حق را با شرایطی به موسسات خصوصی واگذار کنند .

دران ایام در بازرگانی خارجی ایران اصول تعادل پرداختهای خارجی و تهاوت و اصل استفاده از ارز خارجی برای گالاهای ضروری برقرار بود . ولی هم انحصار دولتی بازرگانی خارجی و هم اصول مذکور ، پس از گسترش نفوذ امپریالیسم در ایران علا از بین برده شد . در تمام سالهای بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۶ هیچ نوع سیاست مشخص بازرگانی در کشور وجود نداشت . از سال ۱۳۳۶ تحت فشار امپریالیسم جهانی ، هیئت (۸۰)

حاکمهی ایران سیاست دروازه های بازار را در پیش گرفت. این سیاست با اندک تغییر و تبدیلی امروز نیز ادامه دارد. در نتیجه ورطه ی بیمن صادرات و واردات هر سال بیشتر و وابستگی ایران بیازارجهان سرمایه داری عمیقتر شده است.

ارقام مربوط به بازرگانی خارجی ایران نشان میدهد که طی سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۴۷ در حالیکه صادرات کشور از ۱۰۲٫۶ میلیون لاریه ۲۱۱٫۹ میلیون دلار افزایش یافته ، ارزش کالاهای وارده به کشور از ۶۵۰٫۰ میلیون دلار به ۱۳۸۹٫۲ میلیون دلار بالغ گردیده است. یعنی کسرموازته ی بازرگانی خارجی ایران از ۴۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۳۸ به ۱۱۷۲٫۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷ و یادردود سه برابر افزایش یافته است.

بازرگانی خارجی ایران بادول امپریالیستی ناپربر، غیرعادلانه و کلا بسود انحصارهای امپریالیستی است. از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۸ قیمت کالاهای وارداتی بکشور بالغ بر ۵۵۹۴ میلیون دلار بوده است. در مقابل مبلغ ارزی که از طریق صادرات کالا از ایران بدست آمده ، در همان مدت فقط ۸۶۷ میلیون دلار گردیده است. یعنی واردات ایران از خارج در حدود ۷ برابر صادرات ما بخارج بوده است.

کشورهای سرمایه داری غرب نقش عمده در واردات کالا بایران دارند. روابط بازرگانی خارجی ایران با این کشورها در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در جدول زیر آمده است :

(ارقام به میلیون دلار)

	صادرات		واردات		
	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۶	
۴۲٫۵	۴۰٫۱	۵۴۴٫۱	۴۷۰٫۴	کشورهای عضو بازار مشترک	
۲۲٫۳	۲۰٫۶	۲۱۳٫۹	۲۱۲٫۴	ایالات متحده ی امریکا	
۸٫۱	۹٫۷	۱۸۱٫۳	۱۳۹٫۴	انگلستان	
۵٫۱	۳٫۶	۱۳۳٫۴	۹۱٫۷	ژاپن	

کسرو ازنه ی باززگانی خارجی ایران باکشورهای نامبرده (به میلیون دلار)

سال ۱۳۴۷	سال ۱۳۴۶	
۵۰۱٫۶	۴۳۰٫۳	کشورهای عضو بازار مشترک
۲۰۱٫۶	۱۹۱٫۸	ایالات متحده ی امریکا
۱۷۳٫۲	۱۲۹٫۷	انگلستان
۱۲۷٫۸	۸۸٫۱	ژاپن
۱۰۰۴٫۲	۸۴۰٫۱	جمع کل

مقام اول رادرباززگانی خارجی ایران آلمان غربی داراست. در سال ۱۳۴۷ سهم آلمان غربی در کل واردات ایران ۲۳٪ بود. واردات ایران از آلمان غربی ظرف ۸ سال اخیر ۱۵۰ درصد افزایش یافته و از ۱۲۴ میلیون دلاریه ۳۱۱ میلیون دلار رسیده است. حال آنکه در صادرات ایران به آلمان غربی تغییرچندان محسوس محمل نیامده است. کسرو ازنه ی باززگانی ایران با آلمان غربی در سال ۱۳۴۷ به ۲۰۷ میلیون دلار بمسود آلمان غربی بوده است. یعنی فقط طی یکسال انحصارهای آلمان غربی ۲۰۷ میلیون دلار به ارز ایران خارج کرده اند. در همان سال ایالات متحده ی امریکا ۲۰۱٫۶، انگلستان ۱۷۳٫۲ و ژاپن ۱۲۷٫۸ میلیون دلار از طریق تحمیل مبادله ی نابرابر باززگانی از ایران بیرون برده اند.

در سال ۱۳۴۶ از مجموع واردات ایران به ارزش ۱۱۹۰٫۳ میلیون دلار ۹۱۳٫۹ میلیون و در سال ۱۳۴۷ از ۱۳۸۹٫۲ میلیون دلار، مبلغ ۱۰۸۲٫۷ میلیون دلار بکشورهای عضو بازار مشترک، ایالات متحده ی امریکا، انگلستان و ژاپن تعلق داشته است. تنها طی دو سال (۱۳۴۶ و ۱۳۴۷) کشورهای نامبرده در برابر فروش ۱۹۹۵٫۶ میلیون دلار کالا به ایران، فقط هر ۱۵۲ میلیون دلار کالا از ایران خریداری کرده اند. لذا طی دو سال ۱۸۴۳ میلیون دلار از درآمد ارزی ایران به گاو و صند و قهپای انحصارهای جهان سرمایه داری غرب منتقل شده است.

امپریالیسم و صنایع نفت ایران

یکی از مهمترین رشته های صنعتی کشور که سرمایه های انحصاری امپریالیستی برآن سیادت مطلق دارند، صنایع نفت ایران است. ذخیره ی نفت ایران که در سال ۱۹۵۴ به ۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده بود، بدنیال عملیات اکتشافی و حفاری، در سال ۱۹۶۶ به بیش از ۴۰ میلیارد بشکه بالغ گردیده است.

میزان تقریبی ذخیره ی گاز ایران، طبق سرآورد رسمی، در حدود ۷۰ هزار میلیارد فوت مکعب تخمین زده میشود. این مقدار گاز مصداق

۱۰ میلیارد و ۸۵۰ میلیون بشکه نفت ارزش حرارتی دارد.
 معادن نفت ایران یکی از پرمحصولترین معادن جهان به شمار میرود. قدرت طبقات نفت در گچساران به ۴۱۰ متر میرسد. در جنوب کشور مساحت نفتی ایران در مساحتی بطول ۷۰۰ کیلومتر و عرض ۴۵ کیلومتر جای گرفته است.
 میزان ذخایر نفت جهان سرمایه داری در سال ۱۹۶۸ بالغ بر ۴۰۲ بلین بشکه برآورد شده است. از این مقدار ۳۹۳ بلین بشکه در ۷۱ میدان نفتی جهان قرار دارد که در بین آنها نیز ۱۵ میدان بزرگ نفتی از لحاظ اهمیت ذخایر شهرت جهانی دارد. و در بین این ۱۵ میدان چهارمعدن بزرگ نفت ایران به ترتیب زیر قرار دارد.

میدان	تاریخ کشف	میزان ذخیره (به بلین بشکه)
آغا جاری	۱۹۴۸	۹٫۵
گچساران	۱۹۲۸	۸٫۰
مارون	۱۹۶۴	۶٫۰
اهواز	۱۹۵۹	۶٫۰

از لحاظ تولید نفت ایران مقام اول را در خاورمیانه و نزدیک بدست آورده است

تولید نفت در برخی از کشورهای خاورمیانه و نزدیک و مقایسه آن با ایران
 (به هزار تن)

سال ۱۹۶۸	سال ۱۹۶۷	
۵۵۹ ۳۵۰	۴۹۸ ۸۵۴	خاورمیانه و نزدیک از آنجمله :
۱۴۱ ۸۰۰	۱۲۹ ۲۹۸	ایران
۱۴۰ ۰۰۰	۱۲۹ ۳۰۰	عربستان سعودی
۱۲۰ ۰۰۰	۱۱۵ ۱۶۹	کویت
۷۴ ۰۰۰	۶۰ ۱۶۵	عراق

میانگین تولید روزانه ی نفت در ایران از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ (واحد بهزار بشکه)

سال	تولید روزانه
۱۹۶۱	۱۲۰۲٫۲
۱۹۶۲	۱۳۴۴٫۵
۱۹۶۳	۱۴۹۱٫۳
۱۹۶۴	۱۷۱۰٫۷
۱۹۶۵	۱۹۰۸٫۳
۱۹۶۶	۲۱۳۱٫۸
۱۹۶۷	۲۶۰۳٫۲
۱۹۶۸	۲۸۳۲٫۵

میانگین کل تولید روزانه ی ایران در سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۸۳۲ هزار بشکه بوده که از آن - ۲۷۰۴ هزار بشکه در حوزوی قرارداد کنسرسیوم بین المللی نفت و مابقی یعنی فقط ۱۲۸ هزار بشکه از نفت شاه ، سیریب ، آپاک و لاکو بدست آمده است .

درآمد نفت ایران از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ (به میلیون دلار)

سال	مبلغ
۱۹۵۷	۲۱۳
۱۹۵۸	۲۴۷
۱۹۵۹	۲۶۳
۱۹۶۰	۲۸۵
۱۹۶۱	۳۰۱
۱۹۶۲	۳۳۴
۱۹۶۳	۳۹۸
۱۹۶۴	۴۷۵
۱۹۶۵	۵۳۴
۱۹۶۶	۶۰۷
۱۹۶۷	۷۴۶
۱۹۶۸	۸۳۶

میزان درآمد نفت ایران ازهرشکده نفت خام و مقایسه ی آن با
برخی ازکشورهای صدهای نفت خیز (سنت درهرشکده)

سال	عراق	ایران	عربستان سعودی	ونزوئلا
۱۹۵۷	۹۳٫۱	۸۶٫۸	۸۸٫۲	۱۰۳٫۰
۱۹۶۰	۷۸٫۶	۸۰٫۱	۷۵٫۰	۸۹٫۲
۱۹۶۱	۷۶٫۵	۷۵٫۸	۷۵٫۵	۹۲٫۹
۱۹۶۲	۷۶٫۷	۷۴٫۵	۷۶٫۵	۹۷٫۲
۱۹۶۳	۸۰٫۷	۷۹٫۸	۷۸٫۷	۹۸٫۶
۱۹۶۷	۸۵٫۴	۸۳٫۵	۸۴٫۲	۹۸٫۳
۱۹۶۸	۹۰٫۷	۸۶٫۳	۸۸٫۱	۱۰۴٫۷

درحال حاضر درحدود ۷۴٪ ازکل درآمد ارزی ایران فقط از یک منبع، یعنی نفت تحصیل میشود. و کلیه ی منابع اقتصادی دیگر کشور از قبیل صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی شرکت ملی نفت و درآمد جلب سیاحان و غیره فقط درحدود ۲۶٪ ازکل درآمد ارزی رانشکیسل میدهد.

صنعت نفت در تانژمیسین رشد تولید ناخالص ملی سهم عمده رادارد. سهم فعالیتهای اقتصادی از تولید ناخالص ملی (بقیمت ثابت)، بموجب آمار رسمی دولتی بقرار ذیل است.

(درصد)

	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱۳۴۶
کشاورزی	۲۹٫۱	۲۵٫۵	۲۴٫۷
صنعت و معادن	۹٫۸	۱۱٫۰	۱۱٫۲
نفت	۱۳٫۰	۱۵٫۹	۱۷٫۰

سهم نفت در تولید ناخالص ملی از ۱۴٪ در سال ۱۳۴۱ به ۱۷٪ در سال ۱۳۴۶ افزایش یافته است و هنوز هم بعد از کشاورزی مقام

دوم را حائز است.

از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۵۱، در دوران سه دهه ی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران درآمد نفت در حد و $\frac{1}{7}$ بخش درآمد بود چه ی ایران را تشکیل میداد. این وابستگی در حال حاضر بیش از پیش تشدید یافته است. درآمد نفت به سه شکل زیر در بودجه ی کل کشور در سال ۱۴۳۸ در نظر گرفته شده است.

- (۱) درآمد از کنسرسیوم بین المللی نفت ،
 (۲) درآمد از دیگر کمپانیهای نفتی و بطور مشخصی :

شرکت لاوان	۴۳۵	میلیون ریال
شرکت ایپاک	۲۲۵	" "
شرکت سیرپ	۴۰	" "

(۳) درآمد شرکت ملی نفت از طریق فروش مستقیم نفت در خارج مبلغ ۲۱۰ میلیون ریال .
 از ۱۲۴ میلیارد ریال درآمد بودجه ی عادی کشور در سال ۱۳۴۸ در حد و ۲۸ میلیارد ریال از محل درآمد نفت تأمین میشود که ۲۰٪ درآمد کل بودجه ی عادی است.

سهیم سازمان برنامه از درآمد نفت در بودجه ی سال ۱۳۴۸ به ۵۱ میلیارد ریال بالغ میشود .
 در حد و ۳۶٪ از کل درآمد بودجه ی کل ایران که ۲۲۱ میلیارد ریال است از محل درآمد نفت تأمین میشود . میزان استفاده بودجه های عادی و عمومی ایران از درآمد نفت در سالهای اخیر به شرح زیر بوده است (ارقام به میلیارد ریال) :

سال	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶
مبلغ	۲۷٫۷	۳۶٫۴	۳۹٫۵	۴۷	۵۴

درآمد ناشی از نفت بطور متوسط معادل ۸٫۸ درصد از کل درآمد ملی کشور بوده که این نیز بزرگترین درصد رقم درآمد ملی را در مقایسه با نسبت سایر منابع درآمد دولت تشکیل میدهد (مراجعه شود به جدول زیر) :

درصد منابع عمده ی درآمد بودجه (به درآمد ملی کشور)
 در سال ۱۳۴۶

نفت	۸٫۸ درصد
مالیات غیر مستقیم	۸٫۴
گمرک	۳٫۰
وامهای خارجی	۲٫۴
مالیات مستقیم	۱٫۷

وابستگی اقتصادی ایران به نفت در سالهای آینده بیشتر خواهد شد. طبق برآورد برنامه ی پنجساله ی چهارم عمرانی درآمد نفت - بایستی در فاصله ی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ از ۸۱۳ میلیون دلار به ۱۵۵۸ میلیون دلار بشود که در شرح زیر افزایش یابد:

سال	درآمد نفت به میلیون دلار
۱۳۴۸	۱۰۰۴
۱۳۴۹	۱۱۶۱
۱۳۵۰	۱۳۵۰
۱۳۵۱	۱۵۵۸

وابستگی اقتصادی کشور به نفت، یعنی وابستگی به انحصارهای امپریالیستی جهان سرمایه داری، زیرا هم اکنون در آنها انحصار نفتی خارجی متعلق به اکثر کشورهای رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری حاکم مطلق بر صنایع و منابع نفت ایران اند.

کامپانیهای خارجی حاکم بر منابع نفت ایران

ایالات متحده ی آمریکا

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱- ستاند ارد اویل کمپانی اف نیوجرسی | ۲- ستاند ارد اویل کمپانی اف کالیفرنیا |
| ۳- تکزاس اویل کمپانی اینکورپوریشن | ۴- سوکونی موبیل اویل |
| ۵- کالف اویل کورپوریشن | ۶- ریچفیلد اویل کورپوریشن |
| ۷- ستاند ارد اویل کمپانی اف اوهایو | ۸- گتیی اویل کمپانی |
| ۹- سیگنال اویل کمپانی | ۱۰- اتلانتيك ریفاينينگ کمپانی |
| ۱۱- هنکوک اویل کمپانی | ۱۲- تایید و آترا اویل کورپوریشن |
| ۱۳- سان پترولیوم کورپوریشن | ۱۴- پان امریکن پترولیوم کورپوریشن |
| ۱۵- شل اویل کمپانی | ۱۶- سوپرور اویل کمپانی |
| ۱۷- سانری اویل کمپانی | ۱۸- سکلز اویل کمپانی |
| ۱۹- سیتیز سرویس کمپانی | ۲۰- مارتی کورپوریشن |
| ۲۱- اونیون اویل کمپانی اف کالیفرنیا | ۲۲- فیلیپس پترولیوم کمپانی |
| ۲۳- کنستینتال اویل کمپانی | |

انگلستان

۲۴- بریتیش پترولیوم

هلند

۲۵- رایپال داج شل

ایتالیا

۲۶- آجیب میناری

فرانسه

۲۷- کمپانی فرانسه د و پترول

۲۸- اراپ

۲۹- پتروپار

۳۰- رژی اتونوم د و پترول

۳۱- سوسیه ته تاسیونال د و پترول

آلمان غربی

۳۲- د ویچه ارد اول آ.ک

۳۳- د ویچه ساختیا و اوند تیف باوگنلشافت

۳۴- گورکشافت الورات

۳۵- وینترز هال آ.ک

۳۶- پرساک آ.ک

۳۷- کلسن دیوشنوبوک ورگی آ.ک

۳۸- شولفن شمی آ.ک

اسپانیا

۳۹- هیسپاین اویل

اطریش

۴۰- امی

بلژیک

۴۱- پتروفینا

جمعا ۴۱ کمپانی بزرگ و کوچک، د ولتی و خصوصی و مختلط از ۹ کشور رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری بزرگ و کوچک همگن اکنون مسلط بر منابع و ذخائر نفتی ایران هستند. مساحت کل اراضی که بموجب قرارداد های مختلف د ر اختیار انحصارها و کمپانیهای نفتی مذکور گذارده شده است بالغ بر ۴۱۰ هزار کیلومتر مربع است. بد یگر سخن مساحت اراضی تحت تسلط کمپانیهای نفتی کشورهای امپریالیستی پتنبهائی بیش از مجموع مساحت ایتالیا و یونان و یابیش از مجموع مساحت آلمان و اطریش است.

د ربین کمپانیهای نامبرده کنسرسیوم بین المللی نفت نقش حاکم راد رایران ایفا* میکند؛ خلاصه ی عملیات کنسرسیوم بین المللی نفت از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸ د ر جدول زیر آمده است :

تولید ناویژه ی نفت خام			
به میلیون تن سنگین	به میلیون بشکه	به میلیون مترکعب	
۱۳۳	۹۹۲	۱۵۸	سال ۱۹۶۸
۹۳۶	۶۹۸۵	۱۱۱۱	از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸

پرداختی به دولت ایران			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیره	
۶۰۲۹۵	۸۰۴	۳۳۶	سال ۱۹۶۸
۴۰۲۶۹۵	۵۳۷۰	۱۹۷۹	از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸

سرمایه گذاری بوسیله کنسرسیوم بین المللی نفت			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیره	
۵۰۲۵	۶۷	۲۸	سال ۱۹۶۸
۵۲۲۲۵	۶۹۷	۲۵۴	از ۱۹۶۸ تا ۱۹۵۴

حتی اگر سود انحصارهای اعضا* کنسرسیوم بین المللی نفت را برابر با سهم پرداختی به ایران فرض کنیم، کنسرسیوم نفت از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۸ در مقابل فقط ۶۹۷ میلیون دلار سرمایه گذاری سودی برابر ۵۳۷۰ میلیون دلار بدست آورده است* سود انحصارهای نفتی نسبت به هزینه ی تولید در ایران ۷۹٪، در عربستان سعودی ۶۶٪ و در کویت ۵۸٪ است* در سال ۱۹۶۸ از ۸ ر ۱۴۱ میلیون تن نفت تولید شده در ایران ۱۳۳ میلیون تن و از مجموع ۱۱۲ میلیون تن نفت صادراتی ۱۱۰ میلیون تن آن توسط کنسرسیوم بین المللی نفت تولید و صادر شده است* و از اینجانب نیز وابستگی ایران به انحصارهای بزرگ نفتی اعضا* کارتل بین المللی نفت که سهام کنسرسیوم را بدست دارند، بطرز بارزی نمود ارمیکرد* وابستگی اقتصادی ایران به نفت و انحصارهای امپریالیستی خارجی، یعنی وابستگی به نوسانات بازار جهانی سرمایه داری، یعنی وابستگی به میزان تولید نفت در داخل کشور و قیمت اعلان شده ی آن* از آنجائیکه از لحاظ تاریخی بازار فروش نفت ایران همیشه در کشورهای رشن یافته ی صنعتی سرمایه داری بوده، لذا انتظارت انحصارهای نفتی بر صنایع نفت ایران، وابستگی مجموع اقتصاد کشور را به امپریالیسم و چند انحصار

امپریالیسم و صنایع تبدیلی ایران

در آذرماه ۱۳۳۴ دولت ایران برای تشویق سرمایه گذاران خارجی قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی را تصویب و بموقع اجرا*

گذارد. قانون مذبوره به سرمايه هاي انحصاري خارجي حقيقي برابري با سرمايه هاي داخلي قائل گرديد و امتيازاتي از آن جمله اجازه ي خارج ساختن اصل سرمايه و سود حاصله به سرمايه گذاران داده شده. در ماده ي سوم اين قانون گفته ميشود سرمايه هايي كه بموجب اين قانون وارد ايران خواهد شد و همچنين سود يكه در نتيجه ي سرمايه گذاري بدست خواهد آمد از حمايت قانوني دولت بهره مند خواهد بود. كليهي حقوق و مزايائي كه ب سرمايه ي خصوصي داخلي داده شده، شامل سرمايه ها و موسسات خارجي نيز خواهد بود.

در مهرماه ۱۳۳۵ دولت آئين نامه ي اجرائي اين قانون را بتصويب رساند كه طبق آن در صورت مصادره سرمايه ي خارجي دولت متعهد ميگردد ارزش عاديته ي سرمايه گذاري را مسترد دارد. علاوه بر اين دولت متعهد ميشود ارزش لازم براي صدور سرمايه و سود از ايران را در اختيار سرمايه گذار خارجي قرار دهد.

در سال ۱۳۴۱ برخي تغييرات بسود سرمايه گذاران خارجي در مواد قانون جلب و حمايت سرمايه هاي خارجي بعمل آمد و مسئوليت جلب سرمايه هاي خارجي بعهده ي بانك مركزي گذارده شده. در اين بانك سازماني بنام مركز جلب سرمايه هاي خارجي بوجود آمد. در پهن ماه ۱۳۴۲ دوباره بنابه پيشنهاد اين مركز تجديد نظري در قانون جلب و حمايت از سرمايه هاي خارجي بعمل آمد. در آذرماه ۱۳۴۶ دولت حتمي مقررات اجازه ي تملك محدود ب سرمايه گذاران خارجي را بتصويب رساند.

رسوخ سرمايه هاي خصوصي انحصارهاي امپرياليستي در صنايع تبديلي ايران بويژه بعد از جنگ جهاني دوم بسرعت روبه گسترش است. در از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ شش شركت بازرگاني، دو شركت حمل و نقل، يعني جمعا ۸ شركت خارجي در ايران به ثبت رسيدند. از سال ۱۳۳۰ تعداد شركتها و تنوع رشته هاي سرمايه گذاري بسرعت روبه افزايش گذارد. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ مجموع شركتهاي خارجي به ثبت رسيد به شرح زير بود:

در اين دوره براي نخستين بار پس از جنگ جهاني دوم يك شركت صنايع كارخانه اي خارجي در ايران بوجود آمد.

رشته	تعداد شركت
استخراج معادن و حفاري	۱
صنايع كارخانه اي	۱
برق و گاز و آب	۱
خدمات	۶
ساختمان	۸
حمل و نقل و ارتباط	۸
بازرگاني	۲۲

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۲۹ تعداد شركتهاي ثبت شده در ايران به ۱۳۵ رسيد :

۳	کشاورزی
۱۱	استخراج معادن
۵	صنایع کارخانه ای
۲۷	ساختمان
۴	برق و گاز آب و خدمات بهداشتی
۲۸	بازرگانی
۱۳	حمل و نقل و ارتباط
۴۴	خدمات
۱۳۵	جمع

شرکتهای خارجی که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ در ایران به ثبت رسیدند عبارت بودند از :

۱	کشاورزی و جنگلیانی
۴	استخراج معادن و حفاری
۱	صنایع کارخانه ای
۱۳	ساختمان
۲	برق و آب و خدمات بهداشتی
۴	بازرگانی
۲	حمل و نقل و انبارداری و ارتباط
۱۸	خدمات

یش

از سال ۱۳۴۲ بعد نیز تعداد زیادی شرکتهای خارجی در ایران به ثبت رسیده است. آنچه در این میان جلب نظر میکند سرعت افزای تعداد شرکتهای صنعتی مختلف است در ده سال اخیر. و اکثر اینگونه شرکتهای در آن با سرمایه ی خصوصی امریالیستی با سرمایه های محلی به هم آمیخته صنایع تبدیلی و مونتاژ ایران را هم اکنون اداره میکنند. در حال حاضر سرمایه های امریالیستی خارجی خصوصی در صنایع زیرکاراند اختسه شده است :

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| ۱- صنایع لاستیک و باطری | ۱- صنایع مونتاز |
| ۲- صنایع شیمیائی | ۲- صنایع الکتریکی |
| ۳- صنایع پتروشیمی | ۳- صنایع آلومینیم |
| ۴- صنایع ساختمانی | ۴- صنایع غذائی |
| ۵- صنایع فلزی | ۵- تصفیه روغن موتور |
| | ۶- فعالیتهای معدنی |

تقریباً کلیه ی کشورهای رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری در رشته های فوق سرمایه گذاری نموده اند. از آنجمله اند: ایالات متحد هی امریکا، جمهوری آلمان فدرال، انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، سوئیس، ایتالیا، دانمارک، سوئد و ژاپن و غیره. برای ترمیم و وسعت رسوخ سرمایه های امپریالیستی در صنایع و معادن ایران ما عده ترین رشته هایی را که سرمایه های خصوصی خارجی بد آنها راه یافته اند بر حسب کشور سرمایه گذار ذکر میکنیم:

ایالات متحده ی امریکا

- (۱) کمپانی کارخانه "ویلیمز" در "شرکت سهامی جیب ایران"
- (۲) کمپانی آمریکن موتورس در شرکت ایران ناسیونال
- (۳) کارخانه ی کامیون سازی "مک" در شرکت سهامی انومبیل سازی کاوه
- (۴) کمپانی "المیا" در کارخانه ی مونتاژ دستگا ههای گیرنده تلویزیون، رادیو و بلندگو و غیره
- (۵) کمپانی انترنشنال پ.ف.گود ریچ در کارخانه ی لاستیک سازی ایران
- (۶) کمپانی جنرال تایر امریکن در شرکت تایر اند رابیر - ایران
- (۷) کمپانی "آمریکن دین باکستر" در کارخانه ی داروسازی "تام"
- (۸) کمپانی "اولین ماتین کیکال" در کارخانه ی داروسازی
- (۹) کمپانی "کلگیت پالم اولیو" در کارخانه ی صابون، خمیر دندان و لوازم آرایش
- (۱۰) کمپانی "آمریکن سیانامید" در کارخانه ی انتی بیوتیک
- (۱۱) کمپانی "پروکترا ند دابیل" در کارخانه ی گرد پاک کن
- (۱۲) کمپانی "بفایزر کورپوریشن" در کارخانه ی مواد شیمیائی و کشاورزی
- (۱۳) کمپانی "فیلیپس براد رز" در کارخانجات نورد آهن
- (۱۴) کمپانی "بیرس" در کارخانه ی تلخه سازی
- (۱۵) کمپانی "الکترونیک استورج باطری" در کارخانه ی باطری سازی
- (۱۶) کمپانی "دولنتی کورپوریشن" در کارخانه ی تولید مصالح ساختمانی
- (۱۷) کمپانی "فیلیپ براد رز" در کارخانه ی تولید مقتول آهنی
- (۱۸) کمپانی "فیرهرست تکنیکال سرویس انترنشنال" در صنایع چوب
- (۱۹) کمپانی "الیانس ایند وستریال کورپوریشن" در صنایع شیشه سازی
- (۲۰) کمپانی "انیدنکو" در کارخانه ی شیر
- (۲۱) کمپانی "کلاریت" در کارخانه ی چرخ گاز
- (۲۲) کمپانی "نورکو" در بهره برداری از زغال ی تهران
- (۲۳) کمپانی "فیلیپ براد رز" در معادن شهریار و شاهین شیراز
- (۲۴) کمپانی "مالتز کلالیکس" در معادن سرب و قلع شاهکوه زنجان

- (۲۵) کمپانی "سیلیکات ورینلیق" در معادن
 (۲۶) کمپانی "آلاید کمیکال" در کارخانه ی پتروشیمی شاهپور
 (۲۷) کمپانی "آمکو" در کارخانه ی پتروشیمی خارك
 (۲۸) کمپانی "رینولدز" در کارخانه ی المونیم ایران
 (۲۹) کمپانی "آمریکن متالز کلایماس" در معادن سرب و روی مهدی آباد
 (۳۰) کمپانیهای "ایران نجتل کورپوریشن"، "پتلمس سیتی کورپوریشن"، "اف . ام . ک . انترنشنال کورپوریشن" در کنسرسیوم
 عمران بند عباس .

جمهوری فدرال آلمان

- (۱) کمپانی "زیمنس" در مونتاژ ترانسفورماتورو تابلوهای تقسیم و انشعاب فشارقوی
 (۲) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی مونتاژ اتومبیل
 (۳) کمپانی "ستاند ارد الکتریک لورنز" در کارخانه ی مونتاژ رادیو و تلویزیون
 (۴) کمپانی "زالتسکیتر ایند وستریال" در کارخانه ی قند اصفهان
 (۵) کمپانی "زالتسکیتر ماشینن"، "ا . س . - زالتسکیتر - باد" در کارخانه ی قند کرمانشاه
 (۶) کمپانی "ماشینن فابریک لیمیتد" در کارخانه ی تصفیه ی شگراهواز
 (۷) کمپانی "گرام الاک" در کارخانه ی مونتاژ گرام
 (۸) کمپانی "کنرال پلاستیک لیمیتد" در کارخانه ی تولید مواد پلاستیک
 (۹) کمپانی "فارین فابریکن یائوئر" در کارخانه ی تولید دارو و مواد شیمیایی
 (۱۰) کمپانی "ولآ آگمین گزلسافت" در کارخانه ی مواد شیمیایی و لوازم کوسمه تیک
 (۱۱) کمپانی "بایریشه کابل ورکه" در کارخانه ی کابل سازی
 (۱۲) کمپانی "دماک کروپ" در کارخانجات نورد آهن
 (۱۳) کمپانی "بود و اوانفرید رشتریک اند ویرکوارن فابریک" در کارخانه ی محصولات پشمی
 (۱۴) کمپانی "هوشسته" در کارخانه ی پلی استر
 (۱۵) کمپانیهای "جیپین لیمیتد" و "گبرود رکنائوف" در کارخانه ی گیپس
 (۱۶) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی موتور دیزل
 (۱۷) کمپانی "زیمنس" در کارخانه ی تلفن سازی
 (۱۸) کمپانی "متال گزلسافت" در معادن مس

انگلستان

- (۱) کمپانی "آلن اند من پرن" در کارخانه ی داروسازی

- ۲) کمپانی ۰۱ ف ۰ کرگ اند کمپانی " درکارخانه ی قند آبگو
- ۳) گروه " روست " در صنایع مونتاز
- ۴) بانك " گالینورث بنس " درکارخانه ی تهیه ی سولفور
- ۵) کمپانی " انگلیش الکتریک " درکارخانه ی موتور دیزل
- ۶) کمپانی " روتیز موتورز ادرسی " درکارخانه ی مونتاز اتوموبیل
- ۷) کمپانی " سلچن گراف " درمعادن مس کرمان
- ۸) کمپانی " ریو - تینتو زینو کورپوریشن " درمعادن سرب و روی
- ۹) کمپانی " کینگسود " درکارخانه ی تولید کفش

از دیگر کشورهای سرمایه داری که در ایران سرمایه گذاری کرده اند، سرمایه های خصوصی امریالیستی فرانسه از طریق کمپانی " سوسیته فرانسز د و راد یو - تلوزیون " درکارخانه ی مونتاز رادیو و تلوزیون، کمپانی " سیتروئن " در مونتاز اتوموبیل، " کمپاری ای انژی اتی فرانسه " در معادن اورانیوم، شرکت ایرانیات در صنایع مصالح ساختمانی بکار انداخته شده است. علاوه بر این کمپانیها و موسسات فرانسیسی س ۰۱۰۱ م. موسسات الکتریکی و مکانیکی، کمپانی مرکزی آب برای خارجه، کمپانی ژنرال ژئوفیزیک، گروه شنایدر، انترپوز، فیربال، فراکوسیر، کیسم، کلبس رلوب، سیرمات، سوگره، سومیک، پناویا، سورفو، استیسپ و غیره نیز با مستقیما و یا با مشارکت شرکت های ایرانی در رشته های مختلف صنعتی و معدنی و غیره سرمایه گذاری نموده اند.

کمپانیهای هلندی " ورکسپور سرویسز اند کنتراکشن . وی " درکارخانه ی داروسازی، " پروویسی " در صنایع غذایی، " پیتتر شوئن اند زون " درکارخانه ی رنگسازی، سرمایه بکار انداخته اند. کمپانیهای سوئدی " یولیند ریمونکتل " و " فایزر " در صنایع داروشی و همچنین در ترکیب " شرکت سهام ایران - سوئد زامبار " در مونتاز ترانکتور سرمایه گذاری کرده اند.

کمپانیهای " کوزانگاز " و " دانکه فاروی - اگ لاک فابریک " از انمارک پتروبیوم درکارخانه ی اجاق گاز و صنایع رنگ، " گراویل " و " سوسیته ژنرال د منیره " از بلژیک درکارخانه ی شیشه سازی و معادن فلزات غیر آهنی، " فیات " و " له دوگا میلاند " در مونتاز اتو موبیل و داروسازی، عمران بلوچستان، " سیب آورا "، " توسییا " و غیره از ژاپن در مونتاز رادیو و تلوزیون و تولید گاز مایع سرمایه گذاری کرده اند. شش کمپانی ژاپنی در اراضی زیر سد دز در ساخت ۱۰ هزار هکتار و کمپانی " نی هون کوسی " در ۸۰۰ هکتار مزرعه ی پرورش گیلان فعالیت دارند.

امپریالیسم و بانکداری در ایران

هجوم سرمایه های خارجی امپریالیستی برای تشکیل بانک در ایران، خیلی قبل از سرمایه گذاری وسیع در صنایع تبدیلی آغاز شد.

قانون بانکداری مصوب مورخ پنجم خرداد ۱۳۲۴ زمینة مناسبی برای این پورش سرمایه های بانکی امپریالیستی بوجود آورد.

بانکهای مختلف در ایران			
نام	تاریخ تأسیس	ملیت سهامدار خارجی	درصد سهام خارجی
بانک تهران	۱۳۳۴	فرانسوی	۴۰
بانک اعتبارات ایران	۱۳۳۷	فرانسوی	۴۹
بانک بین‌المللی ایران و ژاپن	۱۳۳۷	ژاپنی	۳۵
بانک ایران و انگلیس	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک ایران و خاورمیانه	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک تجارتی ایران و هلند	۱۳۳۷	هلندی	۲۳
بانک ایران و سوئیس	۱۳۳۷	سوئیس	۴۰
بانک تجارت خارجی ایران	۱۳۳۷	امریکائی، المانگزی، ایتالیائی	۴۹
بانک ایرانیان		امریکائی	۳۵
بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۳۳۸	۱۹ بانک خارجی	۲۰

هم اکنون سرمایه ی بانکی و موسسات صنعتی تمام کشورهای کوچک و بزرگ رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری در بانکهای فوق ، به فعالیت وسیع در رشته های مختلف اقتصاد ایران دست زده اند .

بانکها و موسسات صنعتی امریکائی سرمایه گذار در بانکهای ایران

امریکائی

1. Bank of America (International)
2. Lazare Brother and company
3. Chase International Investing Company
4. International Basic Economy Corp.

5. Boston Corporation

فرانسوی

6. Banque de Paris

7. Ottoman de Paris

8. Banque de Beirut

9. Crédit Lyonnais

10. Banque d'Indochine

11. Banque National Petrolcours

12. Banque Comptoire Nationale

13. Lazare Frère and Company

14. Banque de Paris et de Hollande

انگلیسی

15. The Chartred Bank Group

16. Eastern Bank

17. British Bank of Middle East

18. Lazare Brother Company Ltd.

19. Loyal Bank Ltd.

20. Midland Bank Ltd.

21. England Electric Company Ltd.

22. Simon Carooze Ltd.

ایتالیایی

23. Banca Commerciale Italiana

24. Banali Credito Finanze Mario

25. Montecatini

26. Fiat

آلمان غربی

27. Deutsche Bank A. G.
28. Saal, Oppenheim und Companie

هلندی

29. Nederlandsche Handel Maatschappij
30. Holland Bank Unie

بلژیکی

31. Sofina Bank

ژاپنی

32. Bank of Tokyo

علاوه بر آنچه شمردیم گروهی از سرمایه داران ژاپنی و سوئیسی نیز در بانکهای ایران سرمایه گذاری کرده اند. سرمایه ی بانکی امپریالیستی با اختلاط با سرمایه های محلی در رشته های صرافتی، بازرگانی داخلی و خارجی، هتلداری، صنایع و معادن ایران نفوذ کرده است. مثلاً ۱۹ بانک و موسسات صنعتی خارجی از ۳۲ بانک فوق در بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران سرمایه گذاری کرده اند. هدف پیمان این بانکها توانسته اند نظارت خود را بر عهده ترین رشته های صنعتی ایران که توسط بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران بوجود آمده گسترش دهند.

دولت ایران به بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران حق آتراداده که شرکتهای صنعتی و عمرانی تشکیل داده، سهام آنها را منتشر ساخته و قسمتی از آنها را نیز برای خود نگاهدارد و همچنین در موسسات و شرکتهای صنعتی موجود نیز سهمی دارد. باید دانست که طبق قانون پنجم خرداد ۱۳۳۴ سایر بانکهای ایران از چنین حقی که تا مین کنند، تسلط آنها بر اقتصاد کشور است محروم گردیده اند و چنین حقی استثنائاً به بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران داده شده است. و با استفاده از این حقوق بانک توسعه ی صنعتی و معدنی در حال حاضر به بزرگترین سرمایه گذار در اقتصاد ایران و به عهده ترین حربه ی نو استعماری بدل گردیده است. عهده ترین شرکتهای صنعتی و غیرصنعتی تحت نظارت "بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران" عبارتند از:

- (۱) شرکت سهامی پیرلس ایران - کارخانه ی پمپ و لوازم آبیاری
- (۲) شرکت سهامی پشم بافی ایران ک - کارخانه ی پارچه های پشمی و کارخانه های لباس دوزی
- (۳) شرکت سهامی الیاف - کارخانه ی ساخت محصولات نایلونی

- ۴) شرکت سهامی شهید - کارخانه ی قند و شکر
- ۵) شرکت سهامی تدبیر صنعت - عملیات مهندسی مشاور
- ۶) شرکت سهامی کاغذ پارس - کارخانه ی کاغذ سازی
- ۷) شرکت سهامی درمن دیزل ایران - کارخانه ی موتور دیزل
- ۸) شرکت ترانس پیک - کارخانجات تولیدی
- ۹) شرکت سهامی قند نیشابور - کارخانجات قند
- ۱۰) شرکت سهامی شیشه ی قزوین - کارخانه ی شیشه ی جام
- ۱۱) شرکت سهامی جنرال تایر واریر ایران - کارخانه ی لاستیک توئی و روئی
- ۱۲) شرکت سهامی خاص موتورهای دیزل ایران - کارخانه ی موتورهای دیزل
- ۱۳) شرکت سهامی صنعتی توشیبا - انحصار کارخانه های اتومبیل
- ۱۴) شرکت سهامی کشتیرانی آریا - حمل و نقل دریائی
- ۱۵) شرکت دوچرخه و موتورسیکلت ایران - کارخانه ی دوچرخه و موتورسیکلت
- ۱۶) شرکت سهامی خاص پلبرینگ - کارخانه ی تولید یاتاقان ساچمه ای

در صحنه ی اجتماعی و اقتصادی لبه ی تیز یورش امپریالیسم در ایران متوجه گسترش دامنه ی استثمار خلیقه های ایران بوسیله ی * کک *
 * وامهای اسارت آور، بازرگانی نامتعادل و تبادل نابرابر، سد و سرمایه و غیره است * هدف نهائی عبارتست از تحکیم وابستگی مالی، فنی و اقتصادی
 ایران به کشورهای عده ی رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری *

نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران

نخستین مبعوض نظامی آمریکا در پائیز سال ۱۹۲۲ متعاقب ورود سی هزار نفر از نیروهای مسلح امریکادرد سامبرسال ۱۹۴۱ وارد ایران
 شد. این مبعوض که مرکب از گروهی از افسران امریکایی است نورمان شوارتسکیف بود برای باصطلاح تجدید سازمان ژاندارمری ایران بکشور ما آمد.
 گروه نظامی شوارتسکیف بدوین تبادل کوچکترین سند رسمی در ایران بکار آغاز نمود. یکسال بعد - ۲۷ نوامبر ۱۹۴۲ - موافقتنامه ی مربوط به
 "هیئت مستشاری برای تجدید سازمان ژاندارمری ایران" بین نخست وزیر وقت محمد ساعد و لوئیس دریفوس سفیر کبیر امریکادرایران امضا شد.
 در سپتامبر ۱۹۴۵ مأموریت مبعوض شوارتسکیف در ایران پایان یافت، ولی دولت ایران مدت اقامت مبعوض را برای یکسال تمدید کرد
 و پس از خاتمه ی یکسال برای بار دوم خدمت افسران امریکائی بعدت دو سال دیگر تمدید شد.
 در سال ۱۹۴۸ شوارتسکیف از ایران رفت و در تابستان همانسال سرهنگ امریکائی د. ر. پیرس بسمت رئیس جدید هیئت مستشاران
 نظامی ژاندارمری امریکادوارد ایران شد. با ورود وی برای سومین بار قرارداد تمدید گردید.
 قرارداد مربوط به مبعوض نظامی آمریکا که در حال حاضر نیز اداره ی ارتش ایران را عملاً بدست دارد، ۲۴ اکتبر ۱۹۴۳ بموجب ماده *

واحد ه ای بتصویب رسید *

ریاست نخستین هیئت مستشاران نظامی امریکارا ژنرال ک * ردلی بمعهد ه داشت * وظایف محوله ی مستشاران عبارت بود از تجدید سازمان ارتش ایران ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ د دولت امریکا قرارداد جدیدی د یاد ولت قوام السلطنه منعقد ساخت که بموجب آن میسیون نظامی امریکا ما مور همکاری باوزارت جنگ ایران گردید * قرارداد مذکور حاوی ۴ فصل و ۲۵ ماده بود * برخی ازمواد این قرارداد ادکه ماهیت استعماری آنرا نشان میدهد درذیل آمده است :

ماده دهم (فصل سوم) — اعضای هیئت مستشاران یاد رجه ای که د ارتش ایالات متحده ه ی امریکا د ارتد انجام خدمت خواهندگرد * ولی افسران امریکائی مافوق کلیه ی افسران ایرانی که د ارای د رجه ی مشابه هستند محسوب خواهند شسد * اعضا * هیئت حق استفاد ه از همه ی مزایای د ر نظر گرفته شد ه برای افسران ایرانی همرد پفشان راد ارتد * آنها اونفورم افسران امریکائی راد ربرخواهند داشت ؛ ولی حامل علامت ویژه ای که سمت آنان راد ر ارتش ایران معین میکند خواهند بود * * *

ماده ۱۲ (فصل سوم) — رئیس هیئت مستشاران و اعضا * آن حق د ارتد برای انجام وظایف مند رجه د رمواد هفتم و هشتم کلیسه ی واحد های ارتش رابازرسی نمایند * افسران ایرانی که د ر ر * س این اد ارات قرارداد ارتد مکلفند این بازرسی راتسهیل نمایند و مد اراک و اسناد و نامه های ضروری راد ر اختیار بازسان قرارداد هند * * *

ماده ۱۳ (فصل چهارم) — اعضای هیئت حقوق سالیانه ی خود را بپول رایج د رایالات متحده ه ی امریکا بصورت برات یاچک ازد ولست ایران دریافت مید ارتد * مبلغ حقوق و مزایای هر یک از اعضا * هیئت پاتوافق د ولتهای ایران و ایالات متحده امریکامعین خواهد گردید * * * حقوقها ازهرگونه مالیاتی د رحال و آینده معاف خواهد بود و د ر صورتیکه د ر دوره ی اعتبار قرارداد مذبور مالیات جدیدی برحقوق و مزایای اعضا * هیئت تعیین شود ؛ آن مالیات را د ولت ایران باید بپرد ارتد * ازحقوق اعضا * هیئت د یناری کسرنخواهد شد *

ماده ۱۹ (فصل چهارم) — برای تکمیل وسائط نقلیه ی د ر اختیار هیئت ؛ د ولت ایران د ر صورت ضرورت وسائل لازم ازقبیل اتومبیل وهوا پیم د ر اختیار آنان خواهد گذ ارد * * * تعد اد و نوع اتومبیلها توسط وزارت جنگ امریکامعین خواهد شد * علاوه براین یک هواپیمای امریکائی و سرنشینان آن حق ورود بایران و خروج ازآنها خواهد داشت * * *

ماده ۲۴ (فصل چهارم) — د ر کلیه ی مدت اعتبار این قرارداد و یاد وره ی تمدید آن د ولت ایران نمیتواند هیچ خارجی غیر امریکائی را برای خدمت د رسازمانها و اد اراتی که با ارتش زابطه د ارتد استخدام نماید ؛ مگر اینکه بین د ولتین ایالات متحده ه ی امریکا و ایران د ر این مورد موافقت بعمل آید *

مواد مذکورکه ناقض حق حاکمیت و استقلال ابرانست و د رعین حال افسران امریکائی را بطور کامل بر ارتش ایران مسلط ساخته ؛ امروز نیز بقوت خود پاتمست * علاوه براین د رایانماه سال ۱۳۴۳ د ولت حسنعلی منصور لایحه ای رابصویب دجلسین رساند که بموجب آن مصو نیست سیاسی به مستشاران نظامی امریکا د ر ایران اعضا * گردید *

د ر نوامبر سال ۱۹۵۵ د ولت ورود ایران رایبه پیمان پخدا د (سنثو فعلی) که توسط امریکالیستهای انگلیس و امریکا سرهم بندی شد ه بود و علاوه برانگلستان ؛ پاکستان ؛ ترکیه و عراق نیز عضو آن بودند ؛ اعلام داشت *

پس از انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ و خروج آن کشور از پیمان، دولت ایران مذاکره با مقامات امریکائی را برای انعقاد قرارداد دو جانبه نظامی آغاز کرد. در پنجم مارس ۱۹۵۹ سفیر کبیر ایران در آنکارا سرلشکر ارفع و سفیر کبیر امریکا "ف. اوین" قرارداد دو جانبه ی نظامی ایران - امریکارا امضا نمودند. در مقدمه ی قرارداد گفته میشود:

"باتذکار اینکه در اعلامیه ی مذکور در فوقی (منظور اعلامیه ی مشترک اعتضا* پیمان سنتو منتشره در لندن ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ میباشد که بموجب آن دولت امریکار سماهکاری و شرکت خود را در کمیسیونهای مختلف این پیمان اعلام نمود) اعضای پیمان همکاری متقابل، بغداد تصمیم خود را درباره ی امنیت دسته جمعی خویش و مقاومت در برابر تجاوز مستقیم و غیر مستقیم تأیید نمودند. دولتین ایران و ایالات متحده ی امریکا درباره ی مطالب زیر موافقت کردند: . . ."

دولت ایران "مصمم است در مقابل تجاوز مقاومت نماید" در صورت تجاوز علیه ایران دولت ایالات متحده ی امریکا "طبق قانون اساسی خود هرگونه تدابیر لازم حتی بکار بردن نیروهای مسلح را، که با موافقت مشترک لازم تشخیص داده شده باشد، برحسب روح اعلامیه ی مشترک اتخاذ خواهد کرد (نقل از ماده ی اول قرارداد)

در ماده ی سوم دولت ایران متعهد میشود که کمک نظامی و اقتصادی دولت امریکارا برای اجرای هدفهای معین در اعلامیه ی ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸، یعنی برای "تأمین امنیت دسته جمعی" و مقاومت در مقابل "تجاوز مستقیم و غیر مستقیم" صرف نماید. بموجب ماده ی چهارم هر دو دولت متعهد میشوند که "با سایر دول اعتنا کنند" در اعلامیه ی مشترک لندن (۲۸ ژوئیه ی ۱۹۵۸) بخاطر تدارک تسلیحات دفاعی که متقابلاً ضرورت تشخیص داده میشود "همکاری نمایند".

با تحمیل این قرارداد امریالیستهای امریکا وسیله ی دیگری برای دخالت آزاد و آشکار در امور داخلی ایران پدید آوردند. علاوه بر هیئت مستشاران امریکائی هم اکنون کارشناسان فنی نظامی آلمان غربی که با موافقت دولت امریکا بایران آمده اند، در حال حاضر اداره ی کارخانه های نظامی ایران را بدست دارند.

دولتهای ایالات متحده ی امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی بزرگترین فروشندگان سلاحهای تعرضی بدولت ایران بشمار میروند. و افسران ارتش و پلیس و ژاندارمری ایران تحمیلات تخصصی خود را در کشورهای نامبرده تکمیل میکنند.

امریالیسم برای توسعه ی رسوخ ایدئولوژیک و سیاسی در ایران از انواع مؤسساتی که بوجود آورده استفاده میکند. "باشگاه لاینز ایران" که ۱۵ فوروردین ۱۳۳۶ توسط حال امریالیسم امریکاد رایران تأسیس شد یکی از این مؤسسات است که رابطه ی نزدیک با سازمان جاسوسی مرکزی امریکا دارد. ایران در فهرست لاینز منطقه ی ۳۵۴ نامگذاری شده است. نام و نام فامیل اکثر اعضای "باشگاه لاینز ایران" مخفی نگاهداشته میشود. در ایران ۳۵۴ شعبه ی باشگاه لاینز در ایراست. این شعبات از طریق سه سازمان منطقه ای لاینز رایران میگردد که هر یک دارای رئیس جداگانه است. لاینز نشریه ی ارگان ویژه ای بنام "شیرنامه" منتشر میسازد. سازمانهای منطقه ای لاینز رایران دارای کمیته های ویژه ی بهداشت، عمران، استخدام، کشاورزی و مالی است. بدیگر سخن "لاینز ایران" دولتی است در داخل دولت ایران که اکثر کارمندان عالیرتبه ی دولت عضو آنند.

مؤسسه ی "انجمن تسلیح اخلاق" که در سال ۱۹۴۸ در تهران افتتاح گردید یکی دیگر از مراکز است که امریالیستهای امریکاد را ایران پایه گذارده اند و محل تجمع حال سیاسی محلی امریالیسم است. این مؤسسه نیز مخفی است و اوایل مرحله "امید" و سپس مرحله ی "رنگین" (۱۰۰)

رابطه و پخش میکرد*

"روتاری کلوب ایران" از عهد ترین اهرمهایی است که تحت نظارت سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا به عملیات خرابکارانه در ایران ادامه میدهد. شعبه ی مرکزی این سازمان امریکائی در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی در سال ۱۳۳۵ افتتاح یافت. شعبات ایسین سازمان در تهران، تبریز، اصفهان، خرمشهر و شیراز نیز دایر است.*
هم "سازمان برادری جهانی" که در سال ۱۳۳۷ در تهران بنیان گذارده شد و مرکز شعبات مشابه در کشورهای خاورمیانه و نزدیک بشمار میرود و هم "دوستان امریکائی خاورمیانه" که از ۲۶ فوریه ی ۱۹۴۴ در ایران شروع بکار کرده، هر دو مانند دیگر سازمانهای مذکور، هدفشان رسوخ ایدئولوژیک و ایجاد زمینه برای گسترش نفوذ امپریالیسم در شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران بوده و هست.* علاوه بر آنچه گفته شد مؤسسات بسیار دیگر سازمان داده شده از طرف امپریالیستهای آمریکا، آلمان غربی، انگلستان و فرانسه و غیره نیز تحت عناوین و تابلوهای گوناگون در ایران به فعالیت خرابکارانه مشغولند. از آن جمله اند:

بنگاه فرانکلن

انستیتیوی گوته

کانون ایران و آلمان فدرال

انجمن ایران و آمریکا

لژهای فراماسونری متعلق به انگلستان، فرانسه، آلمان غربی

سپاهی صلح

داوطلبان آلمانی و غیره و غیره *

تعداد افراد سپاهی صلح امریکادرایران به ۳۵۰ نفر بالغ است. این افراد در استانهای خراسان، آذربایجان، بلوچستان، کرمانشاهان، لرستان، کرمان و همچنین شهرهای همدان و بوشهر مستقرند. اداره ی مرکزی "سازمان سپاهی صلح" در تهران قرار دارد و اخیراً "کلن فیشیک" بریاست آن منصوب گردیده است.*
در حال حاضر ۴۱ نفر از "سازمان داوطلبان آلمان فدرال" نیز که بتقلید "سپاهی صلح" امریکا بوجود آمده، در شهرهای ایران بفعالیت خرابکارانه مشغولند.*
هر دو ی این سازمانها تحت نظارت سازمانهای جاسوسی آمریکا و آلمان فدرال قرار دارند.

حمید صفری

طپش نورانی

می‌طپد در دل من باطپشی نورانی
آن امیدی که نباشد نه هوس نی پندار*
در سرم غرش طوفان دگر می ژنبد
غرضی کبش نتوان یافت بطوفان بهار*

نه زبده‌ی یاران نه زکج طبعی بخت
نه زبیداد ستکاره بی‌لایه امید
گرچه هامون در و صحراگذرست این طوفان
همچو یک صخره‌ی پرهینه می باید امید*

همه نوراست دل خلق وطن ، شب گوید :
ره در این ساخت اینم نتوانم کردن*
خجستی هست بغرد آکه عیان خواهد شد
گرچه امروز برهن نتوانم کردن*

ای نهان گشته پس داغ ، سرود دل من !
ای فروزنده امید ی که بجان نوردی !
ای بتاریکی این دوره ی پر زنج و ملال
خفته رازی که به پای طلبم زور دهی !

پهل ، که برخیزم و افتاده ظم برگیرم
طبل می‌کوبد و چیش ابدی پیش رود*
کاروانی است کز آماج نخواهد رو تافت
بار بر بندد و از نوبه ره خویش رود*

ازسند تحلیلی حزب :

حزب ماود یگرا احزاب ملی و دموکراتیک

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمی‌کند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه ی احزاب ، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتماد کامل بقضای صحیح توده های مردم دارد و به همین سبب از میدان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک جدا معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترک مردم ایران ضرور می‌شمرد و نیز عقیده ی راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه ی یک حزب یا یک سازمان تا مین نمی‌شود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه ی احزاب و سازمانهای میهن پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه ی مشترک و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ی ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک نسه تنها در این دوره ، نه تنها در این مرحله ی انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود.

ضرورت مبارزه در همه شرایط

مسلم است که سرکوب و تارومار وحشیانه ی سازمان های دموکراتیک ، ممنوعیت غیرقانونی احزاب و سازمانها و مطبوعات ملی و آزاد بخواه ، از بین بردن استقلال قضات ، تجاوز سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی علیه حقوق و آزادیهای اجتماعی و سیاسی ، سلب آزادی اجتماعات و برخورد خشونت آمیز نسبت به هرگونه نسه جریان مخالف با رژیم ، شرایط بسیار دشواری برای فعالیت سیاسی بوجود آورده است ولی این دشواریها هر قدر سخت ، خشن و محدود کنند ه باشد باز نمیتواند تمام طرق مبارزه را سد کند .

مترسك

بدشت اندر یکی طوفان بنیان کن بود غرآن
مترسك باقیائی ژنده در طوفان همی جنبد
گهی دم می فشاند ، گاه دست و گاه سر ، لیکن
نباشد پایش از خارا ، نباشد جسمش از آهن
ندارد جوشن روئین ، ندارد جز تن جو بین
همی لغزان ، همی لرزان ، بطوفان در همی جنبد
بلند دست سخت باخود گاه و گاهی سخت می لافد
چه هذیانها که نزد خویش این خود گامه می یافد
همی گوید : « بتاریکی چه وحشتناک و جبارم !
بچشم عابر این دشت چون غولی پدید آرم »
گمان دارد که طوفان مهربامد از لقای او
زمین و آسمان نبود سزای اعتنای او
گمان دارد که هست از سایه اش هر چیز ترسند
نمیدانند که جز گدجشك های کم دل صحرا
ندارد هیچکس بیعی از آن ژنده قیای او
کنون طوفان بنیان کن که ازین می کنند کوهی
بصد خواری برفاکنندش ، فرمالید در خاکش
فرو پاشید از هم بیکرنا چیز ناپاکش
مترسك رفت از میدان ، نمیدانست آن نادان
که طوفان زمان چون در و زد از این مترسكها
هزاران میدهد بر باد ، بی دشواری چند آن
پوز ای برطنین طوفان جنبش ! تا مترسكها
فرو افتند بر خاک سیه ، از هم فرو پاشند .

توئی تنها خدای قباد تاریخ ، در چنگت
هزاران مرغ اعجاز است ، بی بیم از مترسكها
بپرور آور اندر آسمان مرغان معجز را !

برشکن هرسد

- ۱ -

برشکن هرسد اگرخواهی آزادی
برفکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر یابد داد
عرصه ی ایران رهد از بیداد

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۲ -

اختریزم ارانی تائینده است
شیوه ی روزبه سزای هر روزنده است
مهرآزادی رسم و راه ماست
یاری مردم جان پناه ماست

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۳ -

کارودانش را به تخت زرینشانیم
دیو استعمار ز خانه بیرون رانیم
توده ی زحمت پرهره ورنگوست
صاحب خاک پاک میهن اوست

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

تاریخ که بر باد رون رنج و سرورش

نازد بسزاوار بیه گردان غیسورش
همایه بمیدان بیه هزارو به کوروش
پرفخشد آن خلق که خسرو شده پورش
بشنید غریب و سخن پر شروشورش
بی جلوه شد آن طنطنه اش پیشش
دشمن بوجل ماند همه بساروشورش
زد خنده بخشم وطن و باطن کورش
امروز جهان گل بنهد بر سر کورش

تاریخ که بر باد بر رنج و سرورش
یک گرد که در معبد تاریخ فنا گشت
جاوید شد آن گرد که جان بهروطن باخت
لرزید دل خصم چو از چو پاه اعدام
بیمایه شد آن عریه اش نزد نهییش
او باره ی همت ز سرا بر بجهانید
او راه فنا رفت به چشمان گشاده
د بیروز غد و سینه ی او خست به پو لا د

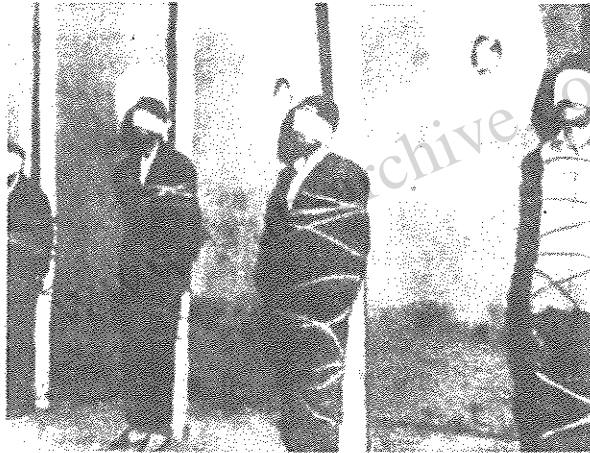
در شهرو شهیدان بود او خسرو جاوید
تا بنده بر اطراف وطن منبجش



به افسران شهید

باشکوه و احتشام بی نیسازان خفته ایسد
سینه ها غربال از سب گداران خفته ایسد

ای زبان شیران که از تیغ گرازان خفته ایسد
کنده ناخن، سوخته مژگان، دریده حنجره



دست رازی قبه تاریخ یازان خفته ایسد
آنچنان کان هست سرد انرا یزازان خفته ایسد
جان خود از بهر عشق خویش یازان خفته ایسد
جامه ای از فخر بر رویهین طرا زان خفته ایسد
بانوای جانفزای خوشنوا زان خفته ایسد
گر شما بشکسته پر چون شاه یازان خفته ایسد

پای رابرمغز خود خواهی فرو کمیده ایسد
در نبرد خویشتن با خصم نامرد پلید
قلب خود در راه عشق خلق سوزان، رفته ایسد
لکه ای از تنگ بر ظالم نشان، بگذشته ایسد
فارغ از بانگ دلازار غسرا پ ارتجاع
خلق آخر بشکند متعار شوم جغسد جلم

زمزمه زندانی

زیر این سقف بی امید و سپاس
میرود عمر، کند پوی ، ملول .
از گرد و صدای چکده ی پاس
روز و شب میرسد بگوش و گشون
نگه ی او ز روزن سلول
سرد و بیرحم ، میخزد به درون

تقل بردر ،
ز پشت میله ، چراغ
سایه افکنده روی هرد پیوار ،
(برتن لانتری علامت داغ)
و مراجشم زندگی بیدار
گیرم از یاد های رفته سراغ

آه ، ده سال میشد ، اینجا
عمر می پوسد و جوانی من ،
سایه ای خامش و کدر گردد
تابش چشم آسمانی من .

آخرین بار بازپرسم گفت :
" تولوجی
وگرتیبب منم
خوب دانم که چیست درمانش :
آنکه درکنج محبس تاریک ،

ماند و پوسید و خسته شد جانش
خورد گرد سرای ایمانش *

بی سبب نیست ، گاه افسر پامن
باتیسم به من نظر دوزان ،
گویدم : * با همه گرفتاری
باز هم حرفهای کهنه ؟ *

ومن
(سختم همچو شعله ای سوزان)
پاسخ دادم بود : * آری ! *

او چه پنداشت ؟
نیستم عاشق ؟
عاشقی دشت و آسمان بلند ؟
عاشقی شهر و خانه و مادر ؟
عاشقی بار و کودتک دلپند ؟
لیک عشقی دیگر ، معظم تر
اند رین محبسم کشید ه به بند *

درد گرم به زندانیان مبارز

درد به رفیق صفر قهرمانی، زندانی دلاوری که از سال ۱۳۲۱ در چنگ دژ خیمان اسیر است

درد به رفقای زندانی سروان تقی کی منش، سروان عباس حجری، ستوان یک طلی موسوی، ستوان دوم رضا شلتوکی، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده، اعضای سازمان افسری حزب توده، ی ایران که با اراده آهنین خود پرچم خواتین افسران شهید را در اهتزاز نگه داشته اند

درد به رفقا بد رالدین مدنی و حمید قاسم نریمان که ۱۶ سال در پشت دیوارهای زندان همچنان شکست ناپذیر از آرمانهای خود دفاع میکنند

درد به رفقای شجاع، عزیز بوسفی، غنی موذیان، محمد علی پید، حمید گریبی، کازیک اوآنسی، جلیل کورانی، دکتر بنی طرّفه و مجید امین موید که سالهای متمادی است در زندانهای مختلف ایران شعله مبارزه را فروزان نگه داشته اند

درد به رفقا پرویز حکمت جو، طلی خاوری، و تقی معتمدیان که در دادگاههای نظامی سال ۱۳۴۵ از حقانیت حزب توده، ی ایران - حزب شهدای ایران دفاع کردند

درد به رفقا صابری محمدزاده و آصف رزم دید، کارکنان چاپخانه مخفی حزب توده، ی ایران در تهران که از سال ۱۳۴۶ در زندانهای رژیم رنج میبرند

درد به همه ی زندانیان توده ای، مصدق، روحانیون مترقی و دموکراتها و آزادخواهان که زندانها را به دژ مبارزان تبدیل کرده اند

گوشه ای از جنبش ملی شدن نفت ایران

www.iran-archive.com



جنبش ملی شدن نفت ایران دنباله‌ی منطقی و وارث مبارزات ضد امپریالیسمی و ضد استبدادی مردم ایرانست که از نیمه‌ی دوم قسرن نوزدهم آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. اما اولین سنگ بنای جنبش ملی شدن نفت بمعنای محدود و مشخص آن بعد از جنگ دوم جهانی گذاشته شد.

۳۰ مه‌ماه ۱۳۱۶

در مجلس شورای ملی قانونی تصویب شده که میتوان آنرا آغازی برای جنبش دانست. آن ماده‌ی قانونی که با جنبش ملی شدن نفت مربوط میشود چنین است:

"دولت مکلف است در کلیه‌ی مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است، بخصوص راجع به نفت جنوب، بمنظور استیفای حقوق مذاکرات و اقدامات لازم را بعمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد." (۱)

"استیفای حقوق ملت ایران از نفت" که در قانون مزبور آمده مفهوم بمبارکش داری است. حداقل معنای آن اینست که شرکت نفست انگلیس در آمد بیشتری به ایران بدهد و حد اکثر معنای آن ملی کردن صنایع نفت و طرد شرکت سابق. آنروزها هیئت حاکمه‌ی ایران هوادار کسب درآمد بیشتری از نفت بود و نیروهای ملی ایران، که هنوز به شمار ملی کردن نفت دست نیافته بودند، برای لغو امتیاز ۱۹۲۳ و طرد کمپانی نفت انگلیس مبارزه میکردند.

خرداد ماه ۱۳۲۷

اولین تماسها بین دولت ایران و شرکت سابق بمنظور آغاز مذاکرات برای اجرای قانون مزبور برقرار شد و در آخسر شهریور ماه ۱۳۲۷ گس - معاون رئیس شرکت نفت انگلیس - به تهران آمد و بی نتیجه برگشت. در این زمان در عرصه‌ی سیاست ایران و پشت پرده‌ی آن دو جریان، که بطور ارگانیک بهم مربوط بود، ادامه داشت: یکی مذاکرات با شرکت نفت انگلیس (واظرف مردم مبارزه برای طرد آن) و دیگری تحکیم دیکتاتوری دربار (واظرف مردم مبارز مطیعاً)

۱۴ آبان ماه ۱۳۲۷

راد یولندن خیرداد: «وزیر خارجه ی ایران که بطور غیر رسمی وارد لندن شده با مستر بوین (وزیر خارجه انگلیس) ملاقات کرده و از جمله راجعه تغییر قانون اساسی و مسائل مربوط به برنامه ی هفتساله ی اقتصادی ی ایران صحبت نمود.» (۲)

در تهران کمیسیون ریاست تقی زاده برای بررسی تغییر قانون اساسی و تداریك تشكيل مجلس مؤسسان تشكيل شد و در مورد نفت نیز قرار شد مذاکرات نهایی با معرفی نمایندگان تام الاختیار آغاز شود. گلشائیان از طرف ایران و گس از جانب شرکت سابق، باین عنوان معرفی شدند. در مورد هدف مذاکرات نخست وزیر - ساعد - گفت:

* دولت من ۰۰۰ نسبت با اجرای پاره ای از مواد امتیاز نامه ی ۱۹۳۳ پافشاری خواهد کرد.» (۳)

مردم ایران با این نظر موافق نبودند و مبارزه بر ضد شرکت سابق نفت و دیکتاتوری در بار سرعت اوج میگرفت. جبهه ی واحدی وجود نداشت، اما وحدت عمل نیروهای ملی و دموکراتیک، بمعنای وسیع کلمه، پشوی تا مین میشد. حزب توده ی ایران در صفوف مقدم مبارزه بود.

۲۰ دی ماه ۱۳۲۷

عباس اسکندری دولت ساعد را بمناسبت اظهار نظر فوق استیضاح کرد. این استیضاح بیش از يك هفته طول کشید. آنروزها اقلیت مجلس از جمله آقایان مهندس احمد رضوی، حسین مکی، اسکندری و دیگران خواستار لغو قرارداد ۱۹۳۳ بودند و پیشنهاد میکردند که قانونی در این باره تصویب شود. اسکندری میگفت:

* این قرارداد تحمیلی است، باطل است و باید لغو و کان لم یکن بحساب آید.» (۴)

دوم بهمن ماه ۱۳۲۷

حزب توده ی ایران و حزب ایران متفقاً دموستراسیونی زیر شعار "لغو قرارداد ۱۹۳۳ و طرد شرکت سابق" در خیابانهای تهران براه انداختند که با برگزاری میتینگ در جلو مجلس پایان یافت. در اعلامیه ی سازمان دانشجو جوان حزب ایران که بمناسبت برگزاری این تظاهرات منتشر شد چنین میخوانیم:

(۲) روزنامه ی اطلاعات ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۷

(۳) روزنامه ی اطلاعات ۲۱ دی ماه ۱۳۲۷

(۴) از سخنرانی عباس اسکندری در موقع استیضاح و نقل از کتاب "عباس اسکندری در خدمت مجلس یازدهم" عباس اسکندری به نمونه بر سه کسه نفت خود را ملی کرده بود اشاره کرد، اما شعار ملی کردن نفت حتی از جانب خود وی بدرستی درك نشد و گسترش نیافت.

* همه ی مادر مبارزه با این هیئت حاکمه ی نوکرسفت و فاسد ایران هم عقیده ایم . همه ی ما در برقراری دموکراسی واقعی و کوتاه کردن دست دولت‌های نالایق و بی شخصیت هماهنگی داریم . . . اکنون که موضوع نفت مطرح است همه ی ما در گرفتن این حق بزرگ ملی وحدت فکری داریم * (۵)

فشار افکار عمومی یحیی شدیدی بود که تقی زاده عاقد قرارداد ۱۹۳۳ مجبور شد از پشت تریبون مجلس بگوید :

* بنده در این کار اصلاً و ابداً دخالتی نداشته‌ام (منظور عقد قرارداد ۱۹۳۳ است) ، جز اینکه امضای من پسای آن ورقه است . . . اگر قصوری در این کار و یا اشتباهی بوده تصحیر آلت فعل نبوده ، بلکه تصحیر فاعل است * (۱)

تقی زاده رضاشاه رافاعل و مقصر اصلی در انعقاد قرارداد و تمدید مدت امتیاز معرفی کرد *

۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷

به شاه سوگوشه قصد شد و در چنان روزهای حساس دستاویزی شد برای اجرای توطئه هائیکه از مدت‌ها قبل تدارک دید میشد و ارتباطی به آن حادثه نداشت . حزب توده ی ایران غیرقانونی اعلام شد ، مطبوعات مرفعی تعطیل گردید ، چند تن از وکلای اقلیت مجلس از ایران بیرون رفتند ، هر نوع مخالفت با دیکتاتوری در بار و تسلط شرکت سابق جرم شناخته شد *

۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

چهار روز پس از سوگوشه قصد پشاه ، مذاکرات نهایی میان نمایندگان تام‌الاختیار ایران و شرکت نفت - گلشانیان و گس - در تهران آغاز شد *

این مذاکرات دو مرحله داشت : در مرحله ی اول نمایندگان ایران تاحدودی مقاومت کرده و خواستار کسب درآمد بیشتری بودند که به نتیجه ای نرسید و مرحله ی دوم بیشتر جنبه ی فعالیت پشت پرده ی سیاسی داشت که با دخالت شاه انجام میگرفت . در این مرحله ایران از تمام ادعاهای خود دست کشید و تسلیم شد *

گلشانیان در گزارش رسمی خود به دولت مرحله ی اول را چنین تشریح میکند :

* مذاکرات را با نمایندگان شرکت آغاز نمودم و در جلسه ی اول مذاکرات به استحضار آقایان رساندم که علاوه بر کلیه ی نکاتی که در دولت سابق با نمایندگان مذاکره شده است اصولاً منظور من بطور کلی تجسد نظر در قرارداد است . . . نمایندگان شرکت آماده برای شنیدن این اظهارنشد و حتی تهدید به

(۵) - نشریه ی شماره ی ۸ حزب ایران ، صفحه ی ۱۵

(۱) - روزنامه ی اطلاعات ، نقل از مذاکرات مجلس ، ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۷

قطع مذاکره کردند. ۰۰۰ ولی بالاخره مذاکرات از سر گرفته شد و نمایندگان شرکت توضیح دادند که منظور از تجدید نظر در فرمولها تا ۰۰۰ تا ۰۰۰ در آمد بیشتری است و ماحاضریم با فرمول فعلی درآمد بیشتری را برای دولت تا ۰۰۰ کنیم. ۰۰۰ شرکت پیشنهادات خود را داد. ۰۰۰ که حتی برای تا ۰۰۰ حقوق ایران طبق امتیازنامه فعلی هم کافی نبود چه رسد به اینکه نسبت به امتیازنامه فعلی حقوق بیشتری را برای ایران تا ۰۰۰ مینماید. (۷) (تکیه آزماست)

پس از قطع مذاکرات در مرحله اول در دستگاه دولتی ایران تمایلی به مراجعه به حکمیت وجود داشت که کارشناسان امریکایی از جمله تورنبرگ معروف نیز آنرا تا ۰۰۰ میگردند. اما شرکت سابق بشدت مخالف حکمیت بود.

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

کاپینه ی وزیران که در کابینه برورد در حضور شاه جلسه ای تشکیل داده بود تصمیم گرفت به حکمیت مراجعه نشود و موضوع در مذاکرات مستقیم حل شود.

این در پلوه مذاکرات مستقیم میان شرکت سابق و ایران نبود، بلکه بین دولت انگلیس و ایران در کانالهای سیاسی جریان داشت. به اسناد زیر توجه کنید:

تلگراف مساعد نخست وزیر به سفیر ایران در لندن:

" چون احتمال قوی می رود که با احساساتی که در مجلس شورا و در افتار نامه است تصمیمات شدیدی از طرف مجلس اتخاذ شود لذا با وزیر خارجه ی انگلیس هر چه زودتر تماس گرفته و جریان امر را توضیح دهید و خاطر نشان نمائید که ممکن است لجاجت نمایندگان (منظور نمایندگان شرکت سابق نفت است) وضعی پیش آورده عواقب آن برای شرکت و روابط دوستانه ی دولتین غیر مطلوب باشد. " (۸)

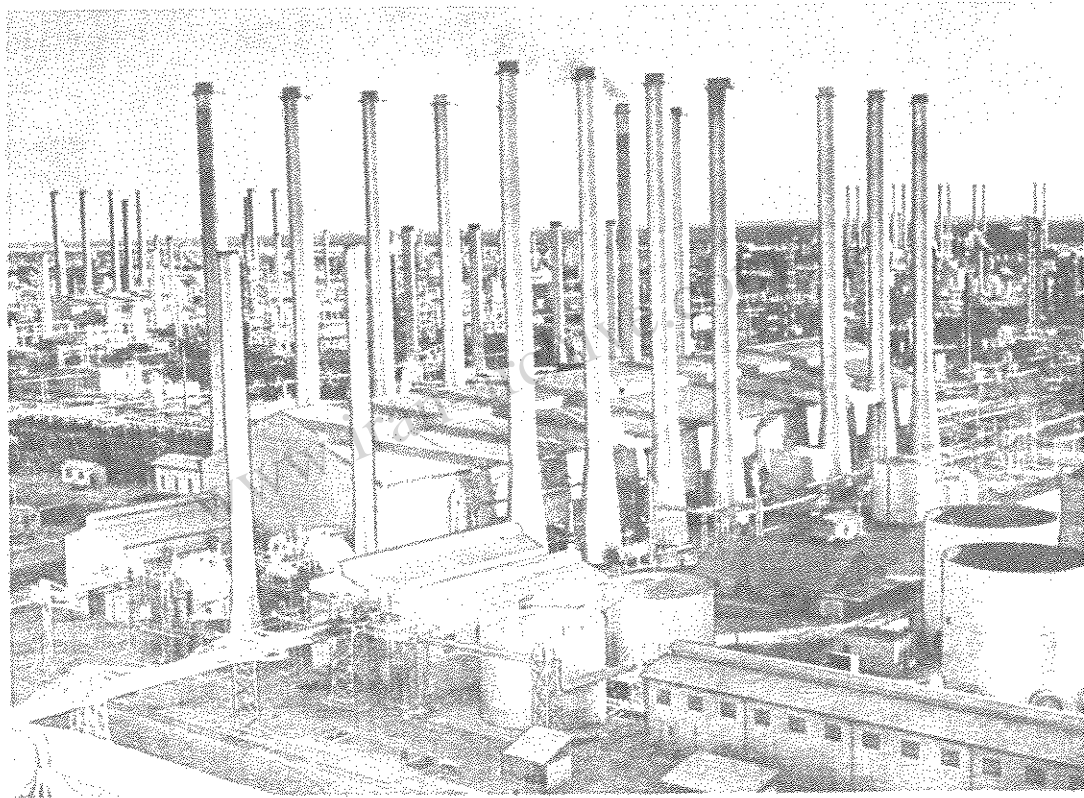
صورت جلسات هیئت وزیران حاکی است:

جلسه ی فوق العاده ی ۲۱ تیرماه ۱۳۲۸:

" ۰۰۰ وزیر خارجه اظهار داشتند که آقای سفیر انگلیس ایشان را ملاقات نموده و اظهار داشته اند که تردید در امضا طرح عمومی تا ۰۰۰ نیز در حسن روابط بین دولتین خواهد داشت. ۰۰۰ قرار شد جلسه ای تشکیل شود با حضور سفیر انگلیس و مستر گس در خدمت نخست وزیر و با مشارکت وزیر در اراضی و خارجه و آقای عدل و یکمترتبه ی دیگر

(۷) - کتاب میاه، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت، صفحات ۱۷۰-۲۱۸

(۸) - کتاب میاه، صفحه ۵۳۳



نیز مذاکره شود ۰۰۰*

جلسه ی چهارشنبه ی ۲۲ تیرماه ۱۳۲۸:

* ۰۰۰ آقای وزیر اراضی گزارش این کمیسیون را داد و گفت از مذاکرات نتیجه ای بدست نیامد ۰۰۰ باز سفیر انگلیس مطالب گذشته را تجدید کرد که اگر این طرح امضا نشود تا ۰۰۰ بیرونی در مناسبات د ولتین خواهد داشت ۰۰۰ هر تقاضایی شد رد کرد ۰۰۰ قرار شد آقای وزیر خارجه باز هم با آقای سفیر ملاقات کند ۰۰۰* (۹) (تکیه از ماست)

این نوع تماسهای پشت پرده و غیرقانونی چند روز دیگر نیز ادامه یافت و از جمله فریزر به ملاقات شاه رفت و بلاخره روز ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ (یعنی فقط ۶ روز پس از آنکه وزیر اراضی به هیئت دولت گزارش داد که شرکت سابق و سفیر انگلیس هر تقاضایی از طرف ایران شدد رد کرد) دولت مساعد قرار داد مفصلی در باره ماده بنام قرارداد الحاقی طی ماده ی واحد و بقید فوریت به مجلس شورا تسلیم کرد ۰ این همان طرح عمومی بود که سفیر انگلیس قبول بی قید و شرط آنرا طلب میکرد ۰ در آن نه فقط تمایلات مردم ایران ، بلکه حتی تمایلات خود ساعد و گلشائیان هم منعکس نشده بود ۰ با اینحال دولت دفاع آنرا در مجلس بمسئله گرفت ۰ گلشائیان در موقع تقدیم لایحه گفت :

"جز بجز" این قرارداد مطالعه شده و محصول زحمت هشت ماهه ی دولت است ۰*

او ادعا کرد که منافع ایران تا مین شده است ۰

برای بتصویب رساندن قرارداد الحاقی تلاش زیادی شد و از جمله هژیر وزیر دربار وکلای مجلس را دسته دسته جمع میکرد و آنها را به تصویب قرارداد ترغیب مینمود (۱۰) ۰

اما قرارداد تصویب نشد ۰ سخنرانی حسین مکی ، که از جانب حزب ایران تنظیم شده بود ، تا پایان دوره ی پانزدهم طول کشید ۰ و کار نفت به مجلس شانزدهم موقوف شد ۰

در مورد احساساتی که در مجلس و در خارج از مجلس وجود داشت و ساعد بدان اشاره میکند باید به فعالیت سازمانهای مخفی حزب توده ایران که یکی از جدترین عوامل شکست حکومت دیکتاتوری پس از ۱۵ بهمن بود یادگاه ۰ دسته ای از اعضا ۰ کمیته ی مرکزی حزب در بهار سال ۱۳۲۸ اشاره کرد ۰ نیروهای ملی و دموکراتیک ایران از تریبون این دادگاه برای مبارزه با ارتجاع و دیکتاتوری بخوبی استفاده کردند و شخصیتها ۰ نظیر دکتر شایگان در جلسات دادگاه از حزب توده ی ایران دفاع نمودند ۰

استیضاح اقلیت مجلس پانزدهم از دولت در فروردین ماه ۱۳۲۸ نیز که مستقیماً مربوط به تسلط دیکتاتوری در کشور بود قابل ذکر است ۰ انتخابات مجلس شانزدهم از مرداد ۱۳۲۸ تا اردیبهشت ۱۳۲۹ ، مدت هشت ماه جریان داشت ۰ انتخابات شهرستانها در همان تابستان پس از ارتجاع و شرکت سابق پایان یافت ۰ اما انتخابات تهران به نقطه ی گریختن تضاد های آنروز جامعه ی ایران تبدیل گشت ۰

۲۳ مهر ماه ۱۳۲۸

مصدق با گروهی از مخالفین دولت بمنظور اعتراف به جریان انتخابات برای تحصن بدربار رفتند و بعلمت رفتار

(۱۰) عبدالحسین بهنیا ۰ پرده های سیاست ۰

(۹) کتاب سیاه ، صفحه ی ۵۵۰

بسیارخشن و توهمین آمیزی که شاه و وزیر در بارش هژیر با آنها کردند دست باعصاب غذا زدند و روز ۲۷ مه‌رمه
اجبارا از تحصن بیرون آمدند. اینجا هستی جیبه ی ملی ایران گذاشته شد.

۱۲ آبانماه ۱۳۲۸

هژیر بدست سید احمد امامی بقتل رسید و یک هفته بعد انتخابات تهران ابطال شد.
بجاست یادآوری کنیم که دیپلماسی امریکا در دوران تنظیم لایحه ی الحاقی و انتخابات مجلس شانزدهم بسیار فعال بود. علاوه بر
فعالیت جاری سفارت امریکا و اقدامات پشت پرده ی مستشاران امریکائی سازمان برنامه و ارتش در ۱۲ تیرماه ۱۳۲۸ در آستانه ی تقدیم لایحه
الحاقی به مجلس پانزدهم ویلیام د وگلاس قاضی معریف امریکائی برای "کوه نوردی" به تهران وارد شد و مدتهد در ایران بود. روز ۱۳ آبان ماه
— روز مرک هژیر — ملک گی معاون وزیر خارجه ی امریکا و ازخادمین بنام کمپانیهای نفتی امریکا بتهران آمد و باشاه و مقامات مسئول ملاقات
نمود. پس از چند روز مسافرت طولانی شاه به امریکا آغاز شد که تا دوازدهم دیماه ۱۳۲۸ ادامه یافت.

دی ماه ۱۳۲۸

انتخابات جدید تهران آغاز شد و در فروردین ماه ۱۳۲۹ بمسود مردم پایان یافت. آقای دکتر مصدق، آقای دکتر
شایگان و جمعی دیگر از کاندیداهای ضد شرکت سابق پارامی مردم به مجلس شانزده راه یافتند و نقش بسیار
فعال و مؤثری در تصویب قانون ملی شدن نفت ایفا نمودند.

۱۵ آسفندماه ۱۳۲۸

متحصنین در بار تشکیل "جیبه ی ملی ایران" را اعلام نمودند که برنامه این عبارت از سه ماده بود:

۱- تجدید نظر در قانون انتخابات؛

۲- تجدید نظر در قانون مطبوعات؛

۳- تجدید نظر در اصول حکومت نظامی.

مسئله ی نفت در برنامه ی جیبه ی ملی ایران نبود، ولی رهبران اصیل آن مبارزه برای طرد شرکت سابق را در نظر داشتند و آزاد دی
د موکراسی را برای آن میخواستند که بتوانند طیه شرکت نفت و امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنند.
در دوران فترت میان مجلس ۱۵ و مجلس ۱۶ دولت ساعد همچنان بر سر کار بود و به تعاسهای خود با شرکت سابق ادامه میداد
اتفاقا در همان زمان قیمت لیبره تقلیل یافته و درآمد ایران از نفت بازهم کمتر شد. کوشش در بار و دولت این بود که شاید درآمد بیشری تأمین
شود و ترتیبی اتخاذ کرد که بتوان قرارداد الحاقی را پس از تجدید نظر از مجلس گذراند.
از آنجاکه هم اکنون نیز بین مقامات دولتی ایران و نمایندگان کنسرسیوم بین المللی نفت مذاکرات مداومی برای افزایش تولید نفت و درآمد
ایران از نفت انجام میگردد چند مسئله ی زیر را منتشر میکنیم تا نمونه های از کم و کیف این نوع مذاکرات بدست داده باشیم:

* بحسب الامر اعلی حضرت هماینی قرار شد جناب آقای ساعد شخصا به اروپا بروند و در انگلستان با وزیر خارجه و وزیر دارائی انگلیس ملاقات کنند* (۱۱) (رسماعلام شده بود که وی برای معالجه سفر کرده است) ساعد از لندن گزارش کار خود رانته به مردم و نه حتی به هیئت دولت، بلکه مستقیما و محرمانه به شخص شاه میداد. در یکی از این گزارشها چنین میخوانیم :

* با وزیر خارجه ی انگلیس دوستانه مذاکره نمودم ۰۰۰ وضع صوملی کشور، خشکسالی و ۰۰۰ را تشریح کردم ۰۰۰ گفتم امید این بود که از عواید نفت تدریجی ای وضع را اصلاح نمائیم: ترتیباتی با شرکت دادیم ولی تنزل نرخ لیره از قیمت واقعی آن کاست (همین جمله ی "قیمت واقعی"، قرارداد الحاقی را بهتر از هر استدلالی افشا میکند - جوانشیر) ۰۰۰ در جواب بالحن دوستانه ای اهمیت ایران را در سیاست انگلیس اظهار کرده و وعده نمود در قیام موضوع را مطالعه کند ۰۰۰ وزیر دارائی را ملاقات کردم ۰۰۰ بسیار دوستانه و گرم بود. تمام مسائل را آزادانه حالی کردم ۰۰۰ گفتم این موضوع وضعیست دولت را در مقابل مجلس شورامشکل و حملات مخالفین راشد پذیر خواهد کرد. جواب داد خیلی متاسفم (!!) ، ولی موضوع از قوه ی شرکت خارج است ۰۰۰* (۱۲)

نمایند ه ی شرکت سابق در تهران در تلگرافی که بنا بر توصیه ی وزیر دارائی ایران به لندن مخابره کرده است چنین مینویسد :

* ۰۰۰ از لحاظ تسهیل تصویب این لایحه در مجلس اینطور صلاح میداند (بلی) وزیر دارائی صلاح میداند که محرمانه با شرکت مذاکراتی در لندن پیشود و یک امتیازات بیشتری بدین اینگه معلوم باشد از چه قبیل است داده شود که تصویب لایحه آسانتر شود* (۱۳)

جواب شرکت برای ابلاغ به دولت ایران چنین است :

* ۰۰۰ شرکت حد اکثر گذشت را کرده و دیگر موجهی برای گذشت بیشترین میند* (۱۴)

پس از افتتاح مجلس شانزده طرح لایحه ی الحاقی در آن مقدم و بر نظر نمرسید ، لذا مجلس در ۳۰ خرداد ماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت مرکب از ۱۸ نفر تشکیل داد که پنج نفر آن از اعضا* جلسه ی ملی بودند. در اولین جلسه ی کمیسیون نفت مصدق بریاسست آن انتخاب شد (دوم تیرماه ۱۳۲۹) .

(۱۱) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۲) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۳

(۱۳) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۴) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۸

شاه پد و ن کسب را می تمایل مجلس رزم آرا را به نخست وزیری منصوب نمود. این نوعی کودتای نظامی بود. رزم آرا که ارتباط نزدیکی با انگلستان داشت نظرموافق امریکا را هم جلب کرد. بود. وزرای کابینه ی رزم آرا بانظر سفارت امریکا انتخاب شد. بودند. مورخ الدوله سپهر که روابط بسیار نزدیک با رزم آرا داشت و فرد مطلعی است مینویسد:

"رزم آرا بانگاه الطاف ملوکانه و باطمینان معاشرت دیپلماتی امریکاد اوطلبی خویش را برای نخست وزیری اعلام نمود ۰۰۰ در باب تشکیل کابینه من میدانستم که مسترد و هو (Dooher) لیتمسی از جوانان (؟) به او داده است ۰۰۰" (۱۰)

این "جوانان" که کابینه ی رزم آرا را تشکیل دادند در واقع مشتی عناصر بی شخصیت و جاسوس صفت بودند که امثال آنانرا بیشتر در کابینه های پس از ۲۸ مرداد میتوان دید.

دهم خرداد ماه ۱۳۲۹

کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران طبعه رزم آرا، که هنوز نخست وزیر نشده بود ولی صدای چکمه هایش بگوشی میرسید، اعلامیه ای صادر کرد که در آن از جمله چنین میخوانیم:

"۰۰۰ سفارت انگلیس، شرکت نفت جنوب، انتلیجنت سرویس انگلیس در وجود رزم آرا عضو حساس مورد نظر خود را یافته اند ۰۰۰ رزم آرا اکنون مشیرو مشار شاه، مطلع از بسیاری از اسرار وی، حاکم بر قشون بوسیله ی شبکه ی مخصوص خود، عضو انتلیجنت سرویس، ۰۰۰ گاندید د یکتاتوری آیند است ۰۰۰ ماتمام ملت را بر ستاخیز عموی طبعه د یکتاتوری سفارت انگلیس - رزم آرا دعوت میکنیم ۰۰۰ دکتر بقائی در مجلس و خارج از مجلس خیلی به حزب توده ی ایران دشنام داده است. باشد، اینها بجای خود، ولی ما وظیفه داریم که حقایق را بازگو کنیم و دعوت میکنیم که تمام مردم طبعه د یکتاتوری متحد شوند" (۱۱)

بازرزه ی حزب توده ی ایران در تمام دوران زمانداری رزم آرا بشدت ادامه داشت و یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب ما و نهضت ملی شدن نفت است.

(۱۰) - خاطرات مورخ الدوله سپهر، نقل از خواندنیها، شماره ۲ سوم مهرماه ۱۳۴۱

(۱۱) - فوق العاده ی روزنامه ی مردم، ۱۵ خرداد ماه ۱۳۲۹

رزم آزاده برای حل مسئله نفت روی کار آمد ه بود مدت چهار ماه سکوت کرد تا شاید امریکا وانگلیس با هم بتوافقی برسند و در آمد بیشتری بایران بدهند. اما موفق نشد. و در تاریخ ۲۶ مه ۱۳۱۹ موافقت خود را با لایحه الحاقی اعلام کرد و به امر شاه تصمیم گرفت بد عوت مجلس مختلط بسرای واگذاری حق و تو بشاه اقدام کند. در اینزمان همی نیروهای ملی هنوز زیر شعار لغو قرارداد مبارزه میکردند.

۱۵ آبان ۱۳۲۹ - طرح ملی کردن نفت پشخ زبرد شورای عالی جبهه ملی ایران تصویب شد :

* بنام سعادت ملت ایران و بمظهور کمک بتا مین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینعائیم که صنعت نفت در تمام مناطقی کشور بد ون استئنا ملی اعلام شود یعنی تمام عیلات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد.* (۷) (این طرح راشاد روان حسین فاطمی بشورای عالی برده و بتصویب رسانیده ه بود)

های "طرد شرکت"، "لغو امتیاز" و امثال موفقیتهای بزرگ این سازمان و همه ملت را بموقع انجام دهد. و این بویژه برای بطور کلی شعارات باعث نهایت تا سف

حزب ماد رفت باشعار جبهه ملی ایران بدست گسانیکه از مدتها پیش تدارک بجز هم به صف دشمنان پیوستند. (از ۱۹ ژانویه ۱۳۲۹ شعاری شدن رایذ یرفتند در مانند و دست عد ه ای از آنان بقبول آغشته شد.)

مخصوص نفت به مجلس گزارش داد که کافی نمیداند و مهلت خواست که پیشنهاد که حاضر بقبول شعاری شدن بود ند طرح در مجلس باشد.

لایحه ی الحاقی را زمینه ای بساری میدانست و نیروهای ملی ایران بساری



دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه کابینه دکتر مصدق

ارتقا جبهه ملی از شعار - آن بشعار ملی شدن صنایع نفت یکی از ایرانست. حزب مانتوانست این جبهش حزب طبقه کارگر که ملی کردن صنایع است.

از آن پس چندین ماه شعای اختلاف پیدا کرد و همین بهانه ای داد اندازی در نسبت رامید بدند و با لایحه اعضا شورای عالی جبهه ملی که در ۱۳ آبان مرداد ماه ۱۳۲۹ فقط ۷ نفر بان وفادار مصدق "تامر فقی" پخون مبارزان ملیسی ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹

کمیسیون لایحه الحاقی را برای تا مین حقوق ایران تنظیم کند. هنوز تعداد وکلای مجلس باندازه ای نبود که لایحه ی آن قابل هیئت حاکمه ایران رت آغاز مذاکرات جدید باشرکت متاف

ملی کردن (حزب توده ی ایران برای اعلان بطلان امتیاز شرکت نفت و ملی کردن آن) مبارزه میکردند. دایره ی مبارزه در زمستان ۱۳۲۹ بحدی اوج گرفت که کنترل آن برای دولت و دربار که خود دچار بحران بودند، مقدور نشد.

۱۹ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت که د پسر اعضای آن نمیتوانستند رسماً با اصل ملی شدن مخالفت کنند يك سو کمیسیون پنج نفری را برای فوریه کردن این اصل و تهیه ی گزارش برای مجلس شورا ما* مور نمود.

۱۷ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آرا* تصمیم زیر را گرفت :

* مجلس شورای ملی ! نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائی که دقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید* (۱۸)

این گزارش در ۲۲ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس تقدیم شد و ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورا و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا بتصویب رسید و جنبه ی قانونی گرفت *

امروز که این دستور را مینویسم قانون ملی شدن نفت نقض شده و تسلط کارتل بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران برقرار شده است ولی این امر هرگز از اهمیت ضربه ای که در اسفند ۱۳۲۹ بر پیکر امپریالیسم وارد آمد نسیکاهد. این زخم التیام ناپذیر است. قانون ملی شدن نفت امروز نیز، گرچه اجرای آن موقتاً تعطیل شده است، به قوت خود باقی است.

۲۰ اسفند ۱۳۲۹

شاه وزیرد ربار خود حسین علا* رابه نخست وزیرى گذاشت (وزم آرا در ۱۶ اسفند بدست خلیل طهماسبی بقتل رسیده بود) * علا* مخالف اصل ملی شدن و هوادار نوعی افزایش درآمد ایران بود. حزب توده ی ایران شعار سقوط علا* و روی کار آمدن حکومت ملی را میداد و بدون آن اصل ملی شدن را غیر قابل اجرا میدانست. جنبه ی ملی از علا* حمایت نمیکرد، اما از سقوط آن میترسید و امیدى به روی کار آمدن حکومت ملی نداشت.

۱۳۰ اسفند ۱۳۲۹

اعتصاب عمومی کارگران نفت جنوب آغاز شده. اعتصاب مدت بیشتر از یکماه (تمام دوران حکومت علا*) ادامه داشت.

کارگران از خود انضباط، هوشیاری و شعور طبقاتی و ملی بسپار عالی نشان دادند. این اعتصاب ضربت سنگینی بشرکت نفت و زمامداری غلام زده و بروی کار آمدن مصدق کتک کرد.

۱۴ فروردین ماه ۱۳۲۰

اولین تماس میان نمایندگان انگلیس و آمریکا در واشنگتن برای رسیدگی به مسئله نفت ایران برقرار شد. این تماس آغاز همکاری دشوار است که میان امپریالیست انگلیسی و آمریکائی، برای سرکوب نهضت ملی ایران بتقاضی اصل ملی شدن، بوجود آمد. در اولین تماس بر سر تقسیم نفت ایران، که نظراً امریکابود، توافق حاصل نشد. اما بر سر تعطیل صنایع نفت ایران و تأمین احتیاجات شرکت سابق از منابع دیگر توافق بعمل آمد. (۱۸)

در مراسم ماه فروردین مقامات رسمی دولت انگلیس ظناً ایران را تهدید پدیده تجاوز میکردند و مقامات رسمی امریکائی اعلامیه ها و اوراق کانالهای سیاسی ایران را به "اعتدال" و "تهدید نکردن" اموال شرکت دعوت میکردند. در مذاکرات پارلمان انگلستان و در یادداشت‌هایی که دولت انگلیس به ایران میداد از امکان اعزام قوا برای "حفظ جان اتباع انگلیس" سخن بمیان می‌آید و چندین کشتی جنگی از پایگاه بحرین بسوی آبادان و از جزیره ی مالت بسوی خلیج فارس حرکت کرده بودند. اما در همسایگی شوروی، و در شرایط وجود تناقض میان امپریالیستها و اوج نفست ایران، پیاده کردن قوا مقصد ورنه نبود.

۲۷ فروردین ۱۳۲۰

کمیسیون مخصوص نفت يك قانون نه ماده ای بمنظور ترتیب اجرای اصل ملی شدن به مجلس شورا پیشنهاد کرد. مواد اصلی قانون بشرح زیر است:

"ماده ۲- دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط (هیئتی از نمایندگان مجلسین و مافوقین دولت) بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند."

ماده ۳- چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن نفت به تصویب مجلس سنائیز رسید کلیه ی درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایرانست دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسید نی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تسامعین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقانظارت نماید.

ماده ۵- هیئت مختلط باید هرچه زودتر اسامنامه ی شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارت مختلطی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند." (۲۰)

(۱۸) الول ساتن، نفت ایران، صفحه ی ۲۶۷
(۲۰) اسناد نفت، صفحه ۵۲

در سایر مواد قانون طرق رسیدگی به ادعاهای شرکت و دعاوی حقه‌ی ایران، طرق تبدیل تدریجی کارشناسان خارجی به کارشناسان ایرانی، حق نقد مشتریان سابق شرکت در خرید نفت ایران قید میشد. این قانون که هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین رسید، تعبیر کاملاً درستی از اصل ملی‌شدن بود.

هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰

مجلس شورت امیل خود رایه نخست وزیری مصدق رسماً نخست وزیر شد و اولین دولت و شد ارتجاعی داشت بوجود آورد. ایسن

دهم اردی بهشت ۱۳۳۰

شاه قانون ملی شدن مصوب مجلسین را میگذشت) و قانون نه ماده‌ای اجرای توشیح کرد. این تا* خیر در توشیح

۲۲ اردی بهشت ۱۳۳۰

مصدق اعلام کرد که شاه و دکتر مظفر بقائی در مجلس گفت:

* اعلیحضرت فرمودند دکتر

دکتر محمد مصدق اعلام کرد و نهم اسفند ایران را که آشکارا رنگ ضد امپریالیستی موفقیت بزرگ ملت ایران بود.

(پس از یکماه و نیم که از تصویب آن آنرا بنا بدخواست دکتر مصدق یکجا تصادفی نبود.

اورا به مرگ تهدید کرده اند. مصدق



دکتر محمد مصدق - نخست وزیر

بقائی به دیپهیی نام در سازمان هم بمن گزارش دادند و من دیشب به شهربانی دستور دادم که شمارا حفاظت کنند* (۲۱)

از آنجاکه ده‌ی زیادی از افراد کابینه‌ی مصدق را دربار تعیین میکرد (سرلشکرزاهدی وزیر کشور مصدق بود) و ارتش و شهربانی کاملاً در اختیار دربار بودند مصدق چاره را برای حفظ جان خود در تحصن مجلس دید. و روز ۲۲ اردی بهشت در مجلس متحصن شد. بعلاوه مصدق از تعلل مجلس در اجرای اصل ملی شدن نگران بود. مجلس حاضر نمیشد کمیسیون مختلط خلع پد را انتخاب کند. اتحاد جناح راست و ضد کمونیست جبهه‌ی ملی که از مدتها پیش آغاز شده بود روز بروز تحکیم یافت تا به کودتای ۲۸ مرداد رسید.

۴ خرداد ماه ۱۳۳۰

دکترگریدی سفیر امریکا در تهران بدنبال اقدامات مکرری که از جانب امپریالیستهای امریکایی علیه ملی شدن نفت ایران انجام شده بود تذکاريه ای به وزیر خارجه ی ایران تسلیم کرد و در آن دولت ایران را از هر نوع "لغو کجانیهای روابط قراردادی و اقداماتی که جنبه ی ضبط و توقیف اموال داشته باشد" برخوردار داشت و مخالفت صریح دولت امریکارا با اینگونه اقدامات به اطلاع رسانید.

۱۵ خرداد ماه ۱۳۳۰

پیام ترومن به مصدق تسلیم شد که در زدن به اقدامات قطعی بر حذر رسیدت.

۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اولین اعلامیه ی هیئت مدیره ی خوزستان منتشر شد که در آن گفته شد ما موراجرای قانون ملی شدن نفت ۲۰ خرداد ماه در دفتر خود واتسع در خرمشهر مستقر و مشغول بکسار

۲۸ خرداد ماه ۱۳۳۰

ساعت ۸ بعد از ظهر آخرین مهلتی که شده بود پایان یافت. پیشنهاد اتسی مغایرت داشت.

۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰

آن نیز دولت ایران را از دست



موقت شرکت ملی نفت ایران در میشد: « هیئت مدیره ی موقت در ساعت ۱۱ و نیم روز دوشنبه ی در صهارت مرکزی شرکت سابق نفت گردید. » (۲۲)

به نمایندگان شرکت سابق داده از شرکت رسیده که با اصل ملی شدن

جلسه ی مشترك هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت تصمیم به خلع ید از شرکت سابق گرفت بشرح زیر:
۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره و یامد بر عامل شرکت سابق نفت از این بیعد قابل اجرائیست

- مکراینگه این تصمیمات و دستورات به امضا هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران رسیده باشد *
- ۲- ما مورخه برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه ی غرب در کرمانشاه تعیین شدند *
 - ۴- دستور داده شد اداری اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود *
 - ۵- دستور داده شد در همه جاناتم شرکت سابق نفت بنام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد *
 - ۶- عواید نفت از این بیمه در همه جایاید فقط به شعبات بانک ملی ایران و بحساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود ، در صورت نبودن شعبه ی بانک بصندوق اداری محل تحویل گردد *

در پایان جلسه ی هیئت دپلنت ، این تلگراف از طرف نخست وزیر به هیئت اعزامی خوزستان مخابره شد :

" هیئت مدیره ی موقت نفت ملی ایران ، بر طبق ماده ی دوم مقررات مصوبه ی هیئت مختلط هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی ایران دارای کلیه ی اختیارات لازم برای اداره ی امور شرکت اصم از اکتشاف ، استخراج ، توزیع ، فروش و بهره برداری خواهد بود و مؤسسات تابعه ی شرکت سابق باید کلیه ی دستورات هیئت مدیره ی موقت را اجرائ نمایند . نخست وزیر - دکتر محمد مصدق " (۱۴)

۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اعلامیه ی هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران که در زیر به خلع ید بید صادر شد ، در آن از جمله گفته میشود :

- ۱- بموجب امر دولت بنگلیه ی کارمند ان ایرانی و خارجی شرکت سابق ابلاغ میشود که ۰۰۰ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند ۰۰۰ اشخاصی که نمیخواهند بخد مت خود ادامه دهند باید کتبا بشرکت ملی نفت اطلاع دهند تا در طبقه یکماه ترتیب خاتمه ی خدمت آنها داده شود .
- ۲- هیئت مدیره تصمیم گرفت هر کسی که از دادن قبض بطور مطلق خود داری کند حق حرکت ندارد (منظور از قبض رسید قبضه ی بود که شرکت ملی در مقابل تحویل نفت دریافت میکرد تا بعد بهای آن محاسبه و دریافت شود) *
- ۳- نظر باینکه اداره ی اطلاعات شرکت سابق طبق دستور دولت منحل شده است اداره انتشارات آبادان که ناشر روزنامه های محلی میباشد و سابقا تابع اداره ی نامبرده بوده است زیر نظر هیئت مدیره ی موقت اداره خواهد شد % (۲۵)

۴ تیر ماه ۱۳۳۰

وزیر خارجه ی انگلیس مورسون در باره ی اقدامات هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران به مجلس عوام

(۲۴) بمبوی اینده ، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

(۲۵) اسناد نفت ، صفحه ۱۲۱ و ۱۴۲

(۱۲۱)



انگلیس گزارش داد و گفت :

من *
 باید به نمایندگان اطلاع دهم که پیشات
 های اخیر در قضیه نفت ایران خیلی
 جدی و ناگوار است. ۰۰۰ اگر دولت ایران
 در روش خود پافشاری کند شرکت علاجی
 نخواهد داشت مگر اینکه در عرض چند روز
 به عیال خود در آبادان پایان دهد.
 بی شک ممکن است وضع
 خوبی در جنوب ایران پیش آید که
 مسئولیت آن بر عهد من دولت ایسران
 خواهد بود (۱۱) * نخست وزیر ایران وقت
 می باید بداند که بر طبق قوانین بین-
 المللی مسئول حفظ جان و مال اتباع
 انگلیس در ایران میباشند و اگر نتوانند
 این وظیفه را انجام دهند دولت
 اطمینان حضرت پادشاه انگلستان خود آنها
 بعهده خواهد گرفت و برای انجام این
 منظور وسایل لازم را بنا خواهد برد. مجلس
 میتواند مطمئن باشد که مآثریه ای این کار
 را دیده ایم و میتوانیم سر بها اقدام کنیم *

۰۰۰ من میتوانم به نمایندگان اطلاع دهم که به رزمنا و موریسوس فرمان داده شده است که فوراً به حومه آبادان حرکت کند ۰۰۰ پس
 جای تا * سفاست که دولت ایران دست به اقداماتی بزند که نتیجهی مصیبت باری برای سعادت آیندگی کشور ایران ببار آورد (۱۲) * (۱۶)
 در پیام وزیر خارجه ای انگلیس به وزیر خارجه ای ایران مورخه ی ۸ تیرماه ۱۳۲۰ چنین میخوانیم :

* دولت اطمینان حضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران در این لحظات آخرتشیص
 ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خردمندانه ای نیست * (۱۷) (تکیه از ماست)

این تهدیدهای ظنی که در تمام دوران ملی شدن نفت ادامه داشت، تو خالی نبود و امپریالیسم انگلیس اثرگسترین فرصتی مییافتست به تجاوز میزد. اما این فرصت بدست نیامد

۲۲ تیرماه ۱۳۳۰

هریمن فرستاده‌ی مخصوص رئیس جمهور آمریکا برای میانجیگری میان ایران و انگلستان وارد تهران شد. اولین توطئه‌ی کودتای مصدق نیز در همین روز به شکل خاص و غیرمستقیم انجام گرفت. موضوع اینکه پس از آغاز اجرای قانون ملی شدن نیروهای ملی ایران روز بروز بهم نزدیکتر میشدند. فاصله‌ای که در چند ماه گذشته میان حزب توده و ایران و جبهه‌ی ملی بوجود آمده بود از میان میرفت. این فاصله پس از خلع ید در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ بسیار کم شد و حزب توده‌ی ایران حمایت از دولت مصدق را مطرح ساخت. روزنامه‌ی پستی آینده اعلام داشت که حمایت مشروط از مصدق تأمین شده است.

اتحاد نیروهای ملی خطر عظیمی برای امپریالیسم و ارتجاع بوجود می‌آورد و آنها تصمیم گرفتند ضربه‌ی دو جانبه‌ای وارد کنند، که هم مصدق را از اختیار اندازد و هم پلی را که میان حزب توده‌ی ایران و جناح مشرقی (مصدقی) جبهه‌ی ملی ساخته میشد، بشکنند. این توطئه در ۲۲ تیرماه ۱۳۳۰ بموقع اجرا گذاشته شد. در آنروز جناح کاشانی و دکتربقائی در اتحاد با دربار و سرلشکرهاهدی (که وزیر کشور کابینه‌ی مصدق بود) به تظاهرات خیابانی وسیعی که در تهران تشکیل شده بود حمله کردند. دمنستراسیون تهران از طرف "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" بمناسبت بزرگداشت خاطره‌ی اختصاص کارگران شرکت نفت و تیرباران آنها در ۲۲ تیرماه ۱۳۲۵ تشکیل شده بود. بدستگیری سرلشکرهاهدی (وزیر کشور) و سرلشکربقائی (رئیس شهربانی) به تظاهرات تیراندازی شد و عده‌ی زیادی کشته شدند. این تیراندازی خلاف دستور بود و اطلاع مصدق بود.

در این حادثه‌ی بزرگ مصدق سقوط نکرد، ولی بهر صورت ضربه‌ی سنگینی به نیروهای ملی وارد آمد. رابطه‌ی حزب توده‌ی ایران با مصدق برای مدت طولانی گسسته شد. مصدق سرلشکرهاهدی و سرلشکربقائی را از کار برداشت، و اعلام کرد که دربار در دولت، در مجلس و خلاصه در همه جا نفوذ دارد. وی بطور تلویحی اشاره کرد که جنایت ۲۲ تیرماه محصول این نفوذ است. در این توطئه سازمان جاسوسی آمریکانقشر موشی ایفا کرد. هدف این بود که حکومت مصدق را آنقدر ضعیف شود که مجبور به سازش گردد. اما این نتیجه حاصل نشد. هرچند با وجود اقامت طولانی در تهران و تلاش فراوان نتوانست پیشنهادات خود را به مصدق بقبولاند. انوقت‌ها هنوز میان انگلستان و آمریکا بر سر تقسیم نفت ایران توافق بعمل نیامده بود.

۱۱ مرداد ماه ۱۳۳۰

سفارت کبرای انگلیس در تهران طی یادداشتی بدولت ایران اطلاع داد که :

" دولت انلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در

ایران قبول مینماید* (۲۸)

این سند محصول مذاکرات طولانی ایران و انگلیس بود و امپریالیست های انگلیس امید داشتند که از این طریق راهی برای از میان بردن اصل ملی شدن و استقرار تسلط کارتل بین المللی نفت بدست آید. اما امروز امپریالیستهای فوقیتی بدست نیاوردند و سند فوقی بعنوان يك منسند قانونی و بین المللی در تاسیس ملی شدن باقی خواهد ماند.

۲۱ شهریورماه ۱۳۳۰

دولت ایران به کارمندان خارجی شرکت سابق نفت ابلاغ کرده که اگر نمیخواهند مستخدم دولت ایران باشند مدت يك هفته خاک ایران را ترك کنند. این کارمندان از مدتها قبل طبق دستور شرکت سابق از همکاری با شرکت ملی نفت ایران خودداری میکردند و در تعطیل صنایع نفت ایران میکوشیدند.

۱۱ مهرماه ۱۳۳۰

آخرین فرد انگلیسی آبادان را ترك گرفت* و ملت ایران بطور کامل تا* سیمات نفتی خویش را بدست گرفت *

* * *

آنچه در چند صفحه ای بالا آوردیم نه تاریخ ملی شدن نفت است و نه حتی گریز و فرار از حواصت مهم آن. این کار فرصت بیشتری میخواهد. ما در اینجا از توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه ملی شدن نفت، از اختلافات میان نیروهای ملی ایران و کم و کیف آن، از رقابت و اتحاد انحصارات بزرگ نفتی، از مداخلات امپریالیسم امریکا در مورد اخلای ایران، مذاکرات مفصل میان ایران و انگلیس بامیانجیگری امریکا و بطور کلی از فعالیت همه جانبه ی حکومت ملی مصدق و تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای برانداختن آن و کوشش نیروهای ملی برای حفظ آن و بسیاری مطالب مهم دیگر سخن نگفتیم.

ما فقط خواستیم جریان تدوین و تصویب قانون ملی شدن نفت ایران و خلق پدیده شرکت سابق نفت را باختصار قید کرده و تذکر دهیم که اصل ملی شدن نفت ایران و قانون طرز اجرای آن بطریق کاملاً قانونی در مراجع مقننه ی ایران بتصویب رسیده و مورد حمایت کامل ملت ایران قرار گرفت *

اصل ملی شدن از جانب دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نیز بر رسمیت شناخته شد *

در سالهای حکومت ملی مصدق مراجع بین المللی نظیر شورای امنیت (مهرماه ۱۳۳۰)، دادگاه بین المللی لاهه (تیرماه ۱۳۳۰) و دادگاه محلی ایتالیا و زاین بسود ایران را می دادند و قانون ملی شدن نفت ایران را بازهم بیشتر تمجیل و تثبیت کردند. ایران بفروش نفت ملی خود آغاز کرد. و اگر حکومت ملی مصدق بر سر کار میماند امروز شرکت ملی نفت ایران با بازار بزرگی در دست داشت.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این موفقیت‌های بزرگ را بیاد داد و فاجعه ای در تاریخ ملت ماست.

سلطه ی کنسرسیوم بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران و قرارداد بی که با آن بسته شد بنا بر قانون ملی شدن نفت ایران بود و در شرایط غیرعادی به ایران تحویل شده و غیرقانونی است. این قرارداد منابع نفت ایران را تا سال ۱۹۹۴، یعنی تا آخر قرن بیستم، در اختیار کارتل بین المللی نفت قرار داد است.

بدون تردید ملت ایران برای احیای قانون ملی شدن نفت تا آخر قرن بیستم به انتظار خواهد نشست.

چوانشهر

ازسند تحلیلی حزب :

لزم خروج دولت از پیمانهای نظامی

با اینکه پیمان تجار و کارانه و استعماری سنتو در چار بحران جدی است معذک دولت با اتحاد و لجاج کورکورانه ای در درون این پیمان باقی ماند و حتی بصورت یگانه مدافع سرسخت بقا آن تظاهر میکنند. با اینکه خود شاه و سایر زمامداران دولت بارها اعتراف کرده اند که این پیمان دیگر "با مقتضیات دوران و روح زمان" وفق نمیدهد و نیز مکررا علت وجود نی آنرا که ظاهرا عبارت از پیشگیری در برابر اصطلاح "خطر تجاوز از شمال" بوده است، در نتیجهی بهبود مناسبات ایران با اتحاد جماهیر شوروی نفی نمود. معذک حفظ این پیمان امپریالیستی و بقا شرکت دولت ایران را در آن توأم با قرارداد و وجانبه ی نظامی با امریکایی از ارکان سیاست خارجی می شمارند.

بطور کلی پیمان سنتو و قرارداد و وجانبه ی نظامی یکی از اهرمهای اساسی تحکیم مواضع امپریالیسم در ایران و در سراسر خاور میانه و نزدیک و کنیه گاه مؤثری است برای تأمین منافع انحصارهای نفتی در خاور میانه و نزدیک و بی سبب نیست که سخنگویان رژیم پس از آنکه مجبور به اذعان این حقیقت شدند که خطری از سوی شمال کشور ما را تهدید نمیکند اکنون برای توجیه شرکت دولت در این پیمان به "خطری" که گویا از ناحیه کشورهای عربی ایران و خلیج فارس را تهدید میکند استناد میجویند.

رژیم کنونی بجای آنکه از اوضاع بین المللی مساعدی که در رساله های اخیر بوجود آمده است بمنظور تحکیم رشته های مودت با کشورهای عربی استفاده نماید و امکاناتی بوجود آورد که کشور و مردم ایران بتوانند نقش مهم و شایسته خود را در منطقه خاور میانه ایفا نمایند بعکس با اتخاذ روشهای نادرست نسبت بکشورهای مزبور و جانب داری از نظریات امپریالیستی در مورد آنها، بابتیره کردن روابط ایران و کشورهای عربی، با برانگیختن احساس کین و تمصب ملی میگوید تد رجا کشور ما را مانند اسرائیل یکی از دشمنان ملت‌های عربی و یکی از پاد و های کارتل امپریالیستی نفت در خاور میانه مبدل سازد.